

الگوی توسعه دیپلماسی دانش در بستر بین‌المللی شدن مطالعات آموزشی در نظام آموزش عالی ایران^۱

محمد اسدی^۲، خلیل غلامی^۳، جمال سلیمی^۴، علی خورسندی طاسکوه^۵

تاریخ دریافت: 1399/03/24

تاریخ پذیرش: 1399/09/16

چکیده:

یکی از زمینه‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در نظام آموزش عالی، توسعه دیپلماسی دانش در بستر بین‌المللی شدن نظام دانشگاهی است. هدف این پژوهش ارائه الگوی بر پایه دیدگاه‌ها و تجربیات اساتید درباره زمینه‌های به‌کارگیری دیپلماسی دانش در مطالعات آموزشی به‌عنوان دانشی بین‌رشته‌ای برای برقراری ارتباط و تبادل علمی در دانشگاه‌ها است تا روشن شود مفهوم دیپلماسی دانش با بهره‌گیری از ظرفیت دانش بین‌رشته‌ای در برنامه‌های آموزشی دانشگاهی چگونه می‌تواند به توسعه علمی نظام آموزش عالی ایران کمک کند. رویکرد این پژوهش از نوع کیفی و بر اساس راهبرد نظریه داده‌بنیاد نظام‌مند است. میدان پژوهش دربرگیرنده اساتید حوزه مطالعات آموزشی در دانشگاه‌های استان کردستان بود که 14 مشارکت‌کننده با نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند و مورد مصاحبه عمیق ساختارمند قرار گرفتند. داده‌های مصاحبه‌ها از طریق نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی مکس کیودا 2020 کدگذاری و مدل‌سازی شدند. بر اساس یافته‌ها، پدیده مرکزی دیپلماسی دانش بین‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی بر اساس علل اثرگذار (مسائل زبانی در آموزش و پژوهش بین‌المللی؛ و دانش محتوای درسی و آموزشی دانشگاه‌های کشور)؛ عوامل مداخله‌گر (تصمیم‌گیری در نظام سیاست‌گذاری دانشگاهی؛ توسعه ارتباطات و آموزش‌های مجازی؛ و ساختار قدرت علمی - اجرایی و اختیارات دانشگاهی)؛ زمینه‌ها (رویکرد تولید علم و پژوهش دانشگاهی؛ توسعه کیفی، رقابت‌پذیری و اعتبار دانشگاهی؛ و تنوع‌بخشی به نیازهای فرهنگی و اجتماعی)؛ راهبردها (توسعه دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای؛ مبادلات علمی انفرادی و دانشگاهی؛ و مطالعات آموزشی تطبیقی با سایر کشورها)؛ و پیامدها (دستیابی به مرجعیت علم دانشگاهی، بازسازی دانش محتوای میان‌رشته‌ای؛ و آشنایی با تجربیات روابط منطقه‌ای و بین‌المللی)؛ قابل تفسیر است. در نتیجه، الگوی ارائه‌شده برای توسعه دیپلماسی دانشگاهی در بستر بین‌المللی شدن مطالعات آموزشی می‌تواند شاخص‌هایی جهت استفاده برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران نظام آموزش عالی ایران فراهم کند تا نیازهای موجود و مطلوب با توجه به سطوح برنامه‌ریزی و جهت‌گیری کارکردها در مدل‌های توسعه در شبکه‌ای از روابط درون و برون‌دانشگاهی به شکل مؤثرتری شناسایی گردند.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی، الگوی توسعه، بین‌المللی شدن، دیپلماسی دانش، مطالعات آموزشی.

1. این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشگاه کردستان و برگرفته از طرح پژوهشی تحت حمایت صندوق پژوهشگران و فن‌آوران کشور است.
2. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه کردستان: m.asadi.phd@gmail.com
3. دانشیار برنامه‌ریزی آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول): khalil.gholami@gmail.com
4. دانشیار برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه کردستان: j_salimi2003@yahoo.com
5. استادیار مطالعات آموزشی، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی: khorsandi@gmail.com

مقدمه

امروزه علم و فناوری و به‌طور جامع‌تر، دانش به‌عنوان یکی از منابع اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی به رسمیت شناخته شده‌اند. پیشرفت اجتماعی و رفاه مادی مردم در بلندمدت به تلاش‌ها در حوزه آموزش، پژوهش و توسعه بستگی دارد؛ بنابراین جای تعجب ندارد که حمایت از پژوهش و فناوری، یکی از اولویت‌های دولت-هاست، اما توسعه علمی و فناورانه تنها مزایایی داخلی به ارمغان نمی‌آورد؛ چنین چیزی برای هر کشوری که خواهان حفظ جایگاه و منافع خود در سطح دنیاست، یک سرمایه به شمار می‌رود (روفینی، 1397). یکی از بخش‌های مهم همکاری‌های بین‌المللی، «بخش آموزش عالی» است. برای نهادهای آموزش عالی کشورهای جهان، چه آموزش عالی دولتی و چه خصوصی، فرصت استفاده از همکاری‌های بین‌المللی وجود دارد. هرساله دانشگاه‌های دولتی و خصوصی با ارائه گزارش‌های مربوط به همکاری‌های بین‌المللی خود و استفاده از فرصت‌های بین‌المللی سعی می‌کنند کارآمدی و کارایی خود را در سطح ملی و بین‌المللی به نمایش بگذارند و هر دانشگاه دولتی و خصوصی که توانسته باشد همکاری‌های بین‌المللی بیشتری را طراحی و اجرا کند، اعتبار، کارایی و کارآمدی بیشتری خواهد داشت. همکاری‌های بین‌المللی تا آن حد در آموزش عالی در سطح جهان نهادینه شده که در بیشتر مراکز آموزش عالی بخش‌های ویژه‌ای در این خصوص فعال هستند و یکی از شاخص‌های کارآمدی دانشگاه‌های دولتی و خصوصی در سطح جهان، شکل و محتوای همکاری‌های بین‌المللی است (طباطبایی، 1392). در حقیقت، بین‌المللی شدن بر چه چیزی، چگونه، کجایی، از سوی چه کسانی دانشجویان یاد می‌گیرند؛ چگونه مؤسسات و نظام‌های آموزش عالی مأموریت‌ها و نقش‌های خود را درک می‌کنند؛ چگونه تحقیق اجرا و منتشر می‌شود؛ و چگونه پارادایم‌های کلیدی همکاری و رقابت در آموزش عالی قابل درک و تعریف است، تأثیر می‌گذارد (رامبلی، آلتباک و ریزبرگ، 2012). دانشگاه‌ها به‌طوری فزاینده نقش سفیران را ایفا می‌کنند. مؤسسات ما ابزارهایی در جریان مردم، دانش و ارتباطات بین کشورها هستند. با توسعه شبکه‌ها، مشارکت‌های جدید با مؤسسات همکار، ارتباط با جامعه کسب‌وکار و اتحاد با بازیگران بین‌المللی، دانشگاه‌های مدرن، دیپلماسی خود را انجام می‌دهند، دیپلماسی که مکمل دولت‌ها به‌ویژه در عرصه‌های فرهنگی و علمی است. در واقع دانشگاه‌ها پایه و اساس دیپلماسی دانش هستند (وینت، 2010). بنابراین، توسعه دیپلماسی دانش^۱ در برنامه‌ریزی‌های توسعه دانشگاهی برای پیوند دانش و ارتباطات بین دانشگاهی، بر بستر بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی استوار است.

اصطلاح دیپلماسی دانش در سال‌های اخیر برای توصیف بسیاری از چیزها به کار می‌رود، از جمله اینکه چگونه آموزش عالی بین‌المللی می‌تواند ابزار قدرت نرم و ابزاری باشد که از طریق آن ملت‌های کوچک ممکن است جایگاه خود را برای مذاکره فراتر از پارامترهای پایگاه قدرت سنتی خود تعیین کنند. سازمان ملل متحد با توسل به آموزش و یادگیری اجتماعی، انتقال دانش در محیط پیرامونی، تولید پژوهش و روابط عمومی، شروع به برنامه‌ریزی برای آموزش عالی بین‌المللی کرده است در این مباحث، سازمان ملل متحد باید به‌عنوان عامل اصلی دیپلماسی جهانی در نظر گرفته شود و دانش مرتبط با توجه به آموزش عالی بین‌المللی، گنجانده شود، هرچند این رویه‌ای نیست که معمولاً با سازمان ملل مرتبط باشد (سونسن، 2017). دیپلماسی بر روی راهبردهایی مانند مذاکره، میانجیگری، همکاری، سازش و تسهیل تمرکز دارد. این‌ها فنون و مفاهیم بسیار متنوعی از سلطه، قدرت، فرمان، کنترل، برتری هستند که وابسته به قدرت هستند. آیا این نشان می‌دهد که دیپلماسی یک ساختار مناسب‌تر برای شکل دادن نقش آموزش عالی در روابط بین‌المللی نسبت به پارادایم قدرت است؟ تکامل از دیپلماسی سنتی به معاصر طیف موضوع یا رویکردهای مبتنی بر مسئله را به عمل تعامل بین‌المللی معرفی کرده است. دیپلماسی فرهنگی بیشتر شناخته شده است، زیرا شامل طیف وسیعی از مناطق مانند هنر و فرهنگ، آموزش، ورزش، معماری و زبان است؛ اما سلامت، علم و فناوری، محیط‌زیست و دیپلماسی تجاری به‌عنوان شیوه‌های مؤثر دیپلماسی به دست می‌آید و به‌طور قابل توجهی با مسائل سنتی‌تر، اما هنوز مهم مربوط به امنیت ملی، نظامی و دیپلماسی اقتصادی متفاوت است. یکی از گزینه‌های جدید که مستلزم توجه بیشتر دیپلماسی دانش است (نایت، 2014). علاوه‌براین، مفاهیمی دیگر از جمله دیپلماسی

¹ Rumbly, Altbach & Reisberg

² Vinet

³ Knowledge diplomacy

⁴ Svenson

آموزشی^۱ و دیپلماسی فرهنگی^۲ مورد بحث قرار گرفته که به‌جای تمرکز بر جنبه‌های سخت‌افزاری علم و فناوری، ناظر بر ابعاد نرم تولید علم دانشگاهی است.

بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی به‌ویژه در حوزه آموزش عالی در جهت بسط تفاهم و درک مشترک و تصویرسازی مثبت از کشور را می‌توان دیپلماسی آموزشی نامید که خود یکی از ارکان دیپلماسی فرهنگی قلمداد می‌گردد. امروزه بسیاری از کشورها با استفاده از کانال ارتباط دانشگاهی درصدد افزایش قدرت نرم خود برآمده‌اند. مبادلات آموزشی و ایجاد شعبه‌های دانشگاهی در نقاط مختلف جهان به‌ویژه در کشورهایی که زمینه‌های فرهنگی مشترک وجود دارد این امکان را به کشورها می‌دهد تا از طریق تعامل با نخبگان و تحصیل‌کردگان میزان تأثیرگذاری خود را گسترش دهند. قشر دانشگاهی به‌عنوان مهم‌ترین قشر مؤثر در ساخت آینده یک کشور، تأثیر بسزایی در تفاهم و همسویی فرهنگی میان ملت‌ها خواهد گذاشت (دهشیری و

طاهری، 1395). دیپلماسی آموزشی، از طریق روابط موسسه به موسسه و مجموعه وسیعی از بازیگران برآورده می‌شود. این باعث می‌شود که سناریوی دیپلماسی آموزشی حتی برای کسانی که به انتهای خط رسیده‌اند، پیچیده‌تر باشد. این بدان معنی است که دولت‌ها بازیگران اصلی نیستند. درحالی‌که دولت‌ها می‌توانند فعالیت‌های بین‌المللی دانشکده و دانشگاه را به‌عنوان بخش مهمی از تلاش‌های دیپلماتیک خود ببینند، مؤسسات به‌طور فزاینده‌ای فراتر از حاکمیت، بر اساس راهبردها و انگیزه‌های خود عمل می‌کنند (پترسن^۳،

2014). آموزش عالی، که قرن‌ها بخش کوچکی از نخبگان را در اکثر جوامع تشکیل می‌داد، به یک نهاد مهم در زمینه جهانی‌شدن و جامعه دانش تبدیل شده است و نقش اساسی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کند (باربوسا و نوس^۴، 2020). اگرچه مؤسسات آموزش عالی به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد توسعه‌دهنده شهروندان جهانی و حرفه‌ای، در مسیر دستیابی به توسعه پایدار و بین‌المللی‌شدن آموزش عالی در سه دهه اخیر، به‌عنوان مهم‌ترین عامل دگرگونی در دانشگاه‌های کشورهای مختلف مطرح شده است، شواهدی علمی در دست نیست که نشانگر گرایش راهبردی دانشگاه‌های ایران و پژوهش‌های در زمینه سیاست‌گذاری آموزش عالی بین‌المللی باشد (خورسندی طاسکوه، 1394).

بر اساس شواهد پژوهش مولر و پستوت^۵ (2018) که نشان داد تقویت همکاری بین‌رشته‌ای حتی می‌تواند فارغ از کنجکاوی‌های فکری به کاربرد علوم اجتماعی در پروژه‌هایی در رشته‌های مهندسی کمک کند تا دیپلماسی مفاهیم به‌عنوان افزونه‌های نظریه اجتماعی استفاده شوند، پژوهشگران تحقیق حاضر نیز معتقدند که مطالعات میان‌رشته‌ای قابلیت همکاری و توسعه دیپلماسی دانش بین رشته‌های دانشگاهی در پیوستاری از روش‌شناسی دانش دقیق و عینی از جمله در علوم پزشکی، علوم پایه و علوم مهندسی تا روش‌شناسی دانش عمیق و ذهنی در علوم انسانی و اجتماعی را فراهم می‌کنند. دانش تربیتی و پداگوژیک، یکی از زمینه‌هایی است که کاربردی میان‌رشته‌ای دارد.

به دلیل تغییرات پارادایمی که از دهه هفتاد قرن گذشته در ساحت علم و دانش و دانشگاه شاهد هستیم، دانش‌واژه علوم تربیتی امروزه نمی‌تواند گویا، متقاعدکننده و یا حتی جذاب باشد. علوم تربیتی (در معنای مصطلح) بستر و بافتاری برای آموزش آکادمیک و حرفه‌ای است. در نتیجه، به دلیل ماهیت میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای فعالیت‌های آکادمیک، تغییر و جایگزینی این دانش‌واژه با دانش‌واژه‌ای جدید نظیر «مطالعات

آموزشی» اجتناب‌ناپذیر است (خورسندی طاسکوه، 1398). اکنون مسئله اصلی این است که دیپلماسی دانشگاهی با بهره‌گیری از ظرفیت دانش میان‌رشته‌ای در مطالعات آموزشی چگونه می‌تواند در بستر بین‌المللی‌شدن به توسعه علم در آموزش عالی کشور کمک کند. انتظار می‌رود حوزه میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در ایران با بهره‌گیری از دیپلماسی دانش، نقش مهمی در بین‌المللی‌شدن آموزش عالی داشته باشد. به‌ویژه اینکه با نگاهی به کارکردها و مدل‌های توسعه دانشگاهی، مطالعه ماهیت میان‌رشته‌ای در دیپلماسی دانش یا علم دانشگاهی تأمل‌برانگیز است و زنجیره‌ای از پیوندها و تعاملات آموزشی و پژوهشی همراه با ارتباط دانشگاه با دولت، بازار کار و جامعه و نیز مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها در حوزه‌های متنوع دانش زمانی

¹ Educational Diplomacy

² Cultural Diplomacy

³ Peterson

⁴ Barbosa & Neves

⁵ Müller & Passoth

معنا پیدا می‌کند که محققان و متخصصان دانشگاهی در عمل بتوانند نقش مکمل علم برای حل مسائل و بحران‌های مهم در سطوح محلی - منطقه‌ای و ملی - بین‌المللی را پیاده سازند.

ادبیات پژوهش

از دیدگاه آموزش عالی، دیپلماسی دانش معادل بین‌المللی شدن نیست. دیپلماسی دانش بر «نقش آموزش عالی و تحقیقات بین‌المللی در ایجاد و تقویت روابط بین کشورها و میان کشورها تمرکز دارد»؛ اما دیپلماسی دانش تنها باید به‌عنوان یک فرایند یک‌طرفه دیده شود. این می‌تواند (و باید) به‌عنوان یک روند متقابل دوطرفه در نظر گرفته شود که به‌موجب آن «روابط بین کشورها و میان کشورها می‌تواند آموزش عالی و تحقیقات بین‌المللی را افزایش دهد». نمونه‌های بسیاری از این دوم و علاقه‌مندی به پتانسیل سابق وجود دارد. دیپلماسی دانش یک رویکرد فراگیرتر را اتخاذ می‌کند. این رویکردی چندبعدی است که تأکید می‌کند که کل بیشتر از مجموع اجزاء است. سه بعد اصلی دیپلماسی دانش، در درجه اول، آموزش عالی و آموزش شامل رسمی، نیمه‌رسمی و مادام‌العمر است. دوم، پژوهش برای تولید، استفاده و به اشتراک‌گذاری دانش و سوم، نوآوری که شامل استفاده از دانش و ایده‌های جدید برای ارزش‌افزوده است (نایت، 2018). دانشگاه‌ها یکی از مهم‌ترین اجزای نهاد آموزش و از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهی جهان آینده تلقی می‌شوند. به دلیل دگرگونی‌های شتابمندی که امروزه دنیای آموزش عالی را تحت تأثیر قرار داده، اهداف، برنامه‌ها و جهت‌گیری‌های دانشگاه بیش‌ازپیش در کانون توجه واقع شده‌اند. آموزش عالی همواره نهادی پویا و متغیر بوده و همگام با تحولات و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و معرفتی تغییر کرده است. برخی از عوامل ایجاد تحول در نظام-های آموزش عالی عبارت از «جهانی‌شدن»، «بین‌المللی‌شدن» و «بومی‌شدن»¹ هستند (قاسم‌پور دهقانی، لیاقت‌دار و جعفری، 1390).

در تعاریف بین‌المللی‌شدن و جهانی‌شدن باید دقت شود که رابطه پویا بین بین‌المللی آموزش عالی و جهانی‌شدن آن حوزه‌های مهم از مطالعات است. به‌منظور تأیید و اما نه ساده‌سازی موضوعی پیچیده به‌جای موضوع چالش‌برانگیز جهانی‌شدن، پارامترهایی برای ایجاد چارچوب بحث موردنیاز است. یک تعریف غیر ایدئولوژیک از جهانی‌شدن عبارت از جریان فناوری، اقتصاد، دانش، مردم، ارزش‌ها و ایده‌ها و غیره در امتداد مرزهاست. جهانی‌شدن به‌عنوان یک پدیده چندوجهی است و عامل مهم زیست‌محیطی است که اثرات متعدد در آموزش و پرورش داشته است. بین‌المللی‌شدن در سطوح ملی، بخش و نهادی به‌عنوان فرآیند ادغام یک بعد بین‌المللی بین‌فرهنگی یا جهانی با اهداف، عملکردها یا تحول آموزش و پرورش ثانویه تعریف می‌شود (نایت، 2015). هاواوینی² (2016) با بیان کامل نبودن تعریف بین‌المللی شدن مؤسسات آموزش عالی به‌عنوان فرایند تریبیک ابعاد بین‌المللی در تدریس، پژوهش و خدمات به دلیل تأکید بر جنبه‌های درونی ظاهر روند (آوردن جهان به مؤسسه) نادیده گرفتن ابعاد بیرونی (آوردن مؤسسه به جهان)، تعریف جامع‌تری ارائه داده که جنبه‌های داخلی و خارجی را پوشش می‌دهد و بین‌المللی‌شدن را به‌عنوان روندی مداوم تغییر تعریف کرده که هدف آن ادغام مؤسسه و صاحبان اصلی آن (دانشجویان و استادان) در اقتصاد دانش در حال رشد جهانی است.

بین‌المللی‌شدن آموزش عالی در عمل از چهارعنصر اصلی برخوردار است که عبارت‌اند از: 1) پذیرش و جذب دانشجویان از کشورهای و خانواده‌های برخوردار؛ 2) بازاریابی و تجاری‌سازی آموزش و پژوهش؛ 3) جذب نخبگان، مهاجرت سرمایه‌های انسانی و رقابت، و 4) نمایه‌سازی و افزایش اعتبار بین‌المللی دانشگاه. این تعریف بیانگر واقعیت‌های روز بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها و نیز شکاف میان نظریه و عمل بین‌المللی‌شدن به‌ویژه در دانشگاه‌های انگلو-امریکن است (خورسندی طاسکوه، 1394). از دیدگاه نایت (2004)، رویکردهای بین‌المللی‌شدن در سطح دانشگاه‌ها در پنج دسته کلی به شرح زیر، قابل جداسازی است: رویکرد اول پیامدمحوری است که در آن، بین‌المللی‌شدن در قالب توصیف پیامدهای موردنظر همچون صلاحیت‌های دانشجو، نمرخ‌های افزایش‌یافته، توافقات بین‌المللی، شرکا و پروژه‌های بین‌المللی بیشتر بیان می‌شود. رویکرد دوم، عقلایی است که در این رویکرد، بین‌المللی‌شدن با توجه به انگیزه‌ها و دلایل ایجادکننده اولیه آن توصیف می‌شود که این مورد می‌تواند شامل استانداردهای دانشگاهی، ایجاد درآمد، تخریب فرهنگی و رشد

¹ Globalization, Internationalization & Localization

² Knight

³ Hawawini

دانشجویان و کارکنان شود. رویکرد سوم فرایندی است در رویکرد موردنظر، بین‌المللی‌شدن به‌عنوان فرایندی موردتوجه قرار می‌گیرد که یک جنبه بین‌المللی را به تدریس، یادگیری و کارکردهای خدماتی دانشگاه ادغام می‌نماید. رویکرد چهارم بین‌المللی‌شدن در خانه است که در آن، بین‌المللی‌شدن به‌عنوان امری تعبیر می‌شود که خواهان ایجاد فرهنگ و فضایی ویژه در دانشگاه است؛ به‌گونه‌ای که درک بین‌المللی بین‌فرهنگی را افزایش داده و پشتیبانی نماید و بر کنش‌های دانشگاهی تأکید ورزد. رویکرد پنجم برون‌مرزی است که در این رویکرد، بین‌المللی‌شدن به‌عنوان ارائه برون‌مرزی آموزش به سایر کشورها به روش‌های مختلف همچون آموزش مستقیم، آموزش از راه دور، آموزش الکترونیکی و از راهکارهای متفاوت مدیریتی همچون ایجاد نمایندگی‌ها و شعبه‌های دانشگاهی است (به نقل از محسنی، 1396). به نظر می‌رسد در طراحی الگویی برای دیپلماسی دانش با تأکید بر ماهیت بین‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی‌شدن آموزش عالی، می‌توان ترکیبی از رویکردها را برای رسیدن به الگوی مطلوب در برنامه‌ریزی‌های توسعه دانشگاهی اتخاذ کرد. از سوی دیگر، مفهوم دیپلماسی دانش در تحلیلی علمی اولویت دارد، همچنین سیاست مرتبط چشمگیری دارد که سیاست‌گذاران باید آن را تأیید کنند. امروزه مهارت‌های تخصصی در دیپلماسی دانش، پیش‌شرطی برای نفوذ در اغلب مذاکرات بین‌المللی هستند. برای دستیابی به مروری جامع و کامل از دیپلماسی دانش، باید به این مفهوم از دیدگاه‌های مختلف و تکمیلی نگاه شود. دو چشم‌انداز در این زمینه وجود دارد. ابتدا باید دیدگاه مبنای قدرت بی‌تعارف را در نظر گرفت که در آن دانش یا اطلاعات به‌عنوان جزئی مهم از مبنای قدرت بازیگران فردی درگیر در بازی دیپلماسی همچون مذاکره دیده شود. دوم اینکه دانش یا اطلاعات نیز باید از دیدگاهی نظام‌مند بررسی گردد و به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کل فرایند مذاکره در نظر گرفته شود (سجوستد، 2009). دیپلماسی علم و بین‌المللی‌شدن پژوهش را در سه چشم‌انداز کلی شامل علم و دیپلماسی، دیپلماسی برای علم و علم برای دیپلماسی طبقه‌بندی کرده‌اند که می‌توانند زمینه‌ساز نفوذ از طریق علم باشند (روفینی، 2017). در واقع، دیپلماسی علم نیاز به حمایت و تشویق در همه سطوح جامعه علمی دارد. دانشمندان جوان نیاز به فرصت‌ها و انگیزه‌های شغلی برای مشارکت در بحث‌های سیاسی از آغاز حرفه شغلی خود دارند. از بحث‌های مربوط به ارتباطات علمی توسط دانشمندان و مشارکت مردم که تغییر فرهنگی در علم در طی ده سال گذشته وجود داشته است، چیزهایی زیادی برای آموختن وجود دارد (کوپلمن، دی، داویسن، ایوت و ویلسن، 2010).

علاوه‌براین، اکین و اولانیان^۴ (2019) دیپلماسی آموزشی را به‌عنوان یک برنامه رهبری نوآورانه منعکس می‌کنند و معتقدند پیشرفت به سمت هدف توسعه پایدار آموزش و پرورش و دستیابی به برنامه توسعه پایدار سازمان ملل 2030، نیاز به مشارکت، همکاری و تشریک‌مساعی در سطوح بین‌المللی، ملی و محلی دارد که با استفاده از رویکرد نوآورانه دیپلماسی آموزش می‌تواند قابل‌دستیابی و پایدار باشد. اصطلاح دیپلماسی دانش از آموزش و پرورش، علم، دیپلماسی فرهنگی یا عمومی متفاوت است. این اصطلاحات محدودتر هستند و به جامعه دیپلماسی دانش اطمینان ندارند. به‌عنوان مثال، دیپلماسی آموزش شامل پژوهش و نوآوری نیست و در درجه اول به آموزش ابتدایی مرتبط است. دیپلماسی علمی اغلب به علوم طبیعی مربوط است. دیپلماسی فرهنگی بسیار گسترده است و شامل هنر، ورزش، غذا، آموزش و پرورش و معماری در میان سایر موضوعات است؛ اما فهم مشترک نقش آموزش در دیپلماسی فرهنگی محدود به مبادلات دانشجویان و دانش‌پژوهان است (نایت، 2018). عنصر حیاتی قطب‌های آموزشی^۵، تعامل بین بازیگران محلی و خارجی است. مفهوم و ماهیت روابط (همکاری، رقابت، رنجش، پذیرش، بی‌تفاوتی) میان کارفرمایان محلی، صنایع، مؤسسات آموزش عالی و فراهم‌کنندگان کارآموزی و آموزش خارجی، شرکت‌های پژوهش و توسعه و صنایع دانش چه هستند؟ قطب آموزشی، به‌ویژه دانشجو و استعداد با همدیگر، توده مهمی از دانشجویان، کارآموزان و افراد حرفه‌ای را می‌آورد که در جستجوی آموزش بیشتر هستند. آیا قطب‌های آموزشی، راهی به‌سوی افزایش مهارت‌ها و

¹ Sjöstedt

² Ruffini

³ Koppelman, Day, Davison, Elliott, & Wilsdon

⁴ Ekine & Olaniyan,

⁵ Knight

⁶ Education hubs

درک درون فرهنگی هستند یا ابزاری برای تسلط زبانی و فرهنگی؟ (نایت، 2013). با ظهور کشورهای قطب آموزشی منطقه‌ای غیرغربی و افزایش تحرک دانشجویان بین‌المللی جنوب-جنوب، رقابت قدرت نرم بر سر آموزش بین‌المللی و تحرک دانشجویان بین‌المللی در بین کشورهای میزبان بزرگ دارای پیامدهای سیاسی قابل توجهی در روابط بین‌المللی کشورها است. اینکه آموزش بین‌المللی به‌عنوان ابزاری برای تبلیغات یا اعمال نفوذ خارجی مخرب بر دانشجویان بین‌المللی مهمان به‌عنوان "قدرت‌های تیز"¹ این کار را انجام داده، بسیار مورد انتقاد است، نه اینکه یک فعالیت آموزشی یا فرهنگی باشد که روابط دیپلماتیک و فرهنگی را بین کشورها ارتقا می‌بخشد، همان‌طور که مفهوم "دیپلماسی دانش" نایت فرض می‌کند. به‌طور کلی، مشارکت قدرت‌های تند در آموزش بین‌المللی و فعالیت‌های بین‌المللی تحرک دانشجویان، مورد جالبی را ایجاد می‌کند، زیرا ماهیت "ایده‌آلیستی و هنجاری" آموزش مورد سوءاستفاده قرار گرفته و مفاهیم "رقابت واقع‌بینانه و قدرت" توسط برخی کشورها جایگزین شده است (گالتکین، 2021). از سوی دیگر، یکی از زمینه‌هایی که می‌تواند کاربرد دیپلماسی دانش برای همکاری‌های آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها را تسهیل کند، حوزه مطالعات بین‌رشته‌ای است. در نتیجه برای ایجاد و توسعه دیپلماسی دانشگاهی، شناخت ماهیت آموزش و پژوهش در رشته‌های دانشگاهی ضرورت دارد.

مطالعات میان‌رشته‌ای، به‌سرعت در حال تبدیل شدن به‌نوعی هنجار و معیار برای بسیاری از دانشجویان است. این در حالی است که «رشته‌های» سنتی متقاضیان خود را روزبه‌روز از دست می‌دهند و جای خود را به برنامه‌های جدید موضوع محور می‌دهند. موضوعات میان‌رشته‌ای همیشه به‌صورت خطی تحول نمی‌یابند، بلکه در حال تحول عمودی به‌سوی واحدهایی وسیع‌تر از قبیل قلمروها، گرایش‌ها و شاخه‌های تحصیلی نیز هستند که در اثر طبقه‌بندی‌های دانش و شناخت، دیدگاه‌های آینده‌نگر، دیدگاه‌های آینده‌نگر، تحقیقات کاربردی، ساختارهای سازمانی و محافل علمی که دربردارنده تعاملاتی فراتر از یک‌رشته خاص علمی هستند، شکل می‌گیرند؛ بنابراین میان‌رشته‌ای منجر به توسعه رشته‌های جدید می‌شود. رشته‌های جدید غالباً بیش‌ازپیش اشتغال محور و مبتنی بر حرفه‌های شغلی هستند. ارتباط حرفه‌ای و پیوند شغلی نیروی محرک عمده‌ای در جهت توسعه و گسترش برنامه‌ها و گروه‌های چندرشته‌ای و فرارشته‌ای محسوب می‌شود (چاندرا موهان، 1389). نقش متمایز دانشگاه در سطح کارشناسی این است که دانشگاه محلی است برای دانشجویان تا با استادان و هم‌تایان خود گفتگو کنند. دانشجو این فرصت را می‌یابد که تا بین آموزش برای به‌عهد گرفتن حرفه‌ای خاص و یادگیری موضوعی در یک کار تجاری و یا آماده شدن برای خدمت ویژه‌ای در آینده در جامعه، یا تصاحب یک مدال اخلاقی یا فکری در سراسر زندگی آینده تمایز قائل شود (گاف و اسکات، 1389). جنبه‌های آموزشی و پژوهشی رشته‌های دانشگاهی در تحصیلات تکمیلی، نقش پررنگ‌تری به خود می‌گیرد.

بین‌المللی شدن برنامه‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها، منجر به افزایش کیفیت برنامه‌های دوره دکتری شده و اصلاحات برنامه‌های دکتری را که ابتدا توسط خودشان آغاز شده بود، شتاب داده و بازسازی کرده است. هر دانشگاه طراحی برنامه‌های خود را دگرگون کرده تا دوره‌های آموزشی با کیفیت بالاتری داشته باشد و نیز نظام‌مندتر باشد تا دانشجویان بتوانند در دوره استاندارد بین‌المللی سه‌ساله باهدف افزایش رقابت بین‌المللی دانش‌آموخته شوند. آن‌ها از اجرای پروژه‌های پژوهشی مشترک با پژوهشگران خارج از کشور، رقابت بین‌المللی را در فعالیت‌های پژوهشی خود بهبود داده‌اند؛ بنابراین با این پیشرفت‌ها، خودشان به شیوه‌ای مستقل‌تر و خودپایدارتر² توسعه یافته‌اند (یونیزاوا، کیتامورا، میرمن و کرودا³، 2014). بررسی نتایج یک نظرسنجی در مقیاس بزرگ از اعضای هیئت‌علمی غیر ژاپنی در دانشگاه‌های ژاپن، نشان داد که اعضای هیئت‌علمی غیر ژاپنی برحسب رشته علمی و کشورهای مبدأ، نقش مهمی در بین‌المللی دانشگاه‌های ژاپن داشتند (یونیزاوا، ایشیدا و هورتا⁴، 2013).

¹ Sharp powers

² Gultekin

³ More self-sustainable

⁴ Yonezawa, Kitamura, Meerman, & Kuroda

⁵ Yonezawa, Ishida, & Horta

برخی تحقیقات هم بر ماهیت بین‌رشته‌ای دیپلماسی علم و فناوری متمرکز شده‌اند، از جمله مقیمی، آراسته و محمدخانی (1396) دریافتند که توسعه ظرفیت‌های کشور در مسیر پیشبرد دیپلماسی علم و فناوری در همه ارکان جامعه، به‌ویژه جامعه علمی و توسعه همکاری‌های علمی و فناورانه میان نهادهای علمی کشور و همچنین تسهیل فرایند صدور روایت و تسهیلات ویژه برای جامعه علمی ایران و دیگر کشورها، در راستای توسعه دادوستدهای دانشگاهی، از مهم‌ترین پیشنهادهای کاربردی، به نظام‌های آموزش عالی و سیاست خارجی برای پیشبرد دیپلماسی علم و فناوری است. گور، نیکولس و لپسک¹ (2020) معتقدند آماده‌سازی دانشمندان برای دیپلماسی علم نیازمند پل‌های جدیدی در سیاست‌گذاری علم برای حمایت بهتر از همکاری‌های سیاست‌گذاری علم جهت پژوهش، آموزش و خدمات مؤثرتر است تا تبادل اطلاعات بین افراد دو اکوسیستم دانشگاه و سیاست را از طریق آموزش مهارت‌های مرتبط با فرایندهای سیاستی در مقابل دسترسی و اختیار جهت مشارکت با غیرسیاست‌گذاران؛ به‌کارگیری پژوهش به‌وسيله فرایندهای سیاست‌گذاری در مقابل حفظ پیوستگی پژوهش در راستای فرایندهای سیاست‌گذاری؛ و توجه به مشارکت اجتماعی در استخدام و نگهداری رشته‌های علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات در مقابل استخدام دانشمندان جهت پست‌های سیاست‌گذاری، نهادینه سازد.

سرانجام، دیپلماسی دانش و علم دانشگاهی، برای اجرایی شدن در برنامه‌های توسعه آموزش عالی، رهیافتی در بستر مدل‌های توسعه دانشگاهی فراهم می‌سازد. برای توسعه آموزش عالی مدل‌های مختلفی از جمله مدل سازمان ملل برای توسعه کشورها، مدل هیدی²، مدل ریگز³ و مدل سیستم‌های اخلاقی استونر⁴ ارائه شده است که از میان این رویکردها، رویکرد ریگز در راستای توسعه بوده و به تبیین ابعاد سیستم آموزش عالی در فرایند توسعه می‌پردازد. در این مدل، دو رویکرد راست‌گرا و چپ‌گرا موجود است که به ترتیب عدالت‌محور و رعایت‌محور نام‌گذاری شده است. سرانجام الگوی توسعه آموزش عالی ایران بر مبنای تحقق اهداف برنامه‌های توسعه کشور و دستیابی به جایگاه موردنظر در چشم‌انداز بیست‌ساله کشور در یک برنامه گذار از وضع موجود به وضع مطلوب آموزش عالی کشور در سه حوزه آموزش، پژوهش و فناوری و دو رویکرد عدالت‌محور و رعایت‌محور با مؤلفه‌های ارزشی - دینی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی - سازمانی، جغرافیایی، جمعیتی، زمانی، فناوری، سیاسی و امنیتی قابل‌دستیابی است (مردانی، 1396).

روشن‌شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر از نوع کیفی و راهبرد آن مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد⁵ است. پژوهشگران از میان طرح‌های اصلی در نظریه داده‌بنیاد از طرح داده‌بنیاد نظام‌مند اشتراوس و کوربین⁶، برای مطالعه دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان و توضیح فرایندها، کنش‌ها یا تعامل میان افراد برخاسته از داده‌های مشارکت‌کنندگان استفاده کردند که عمدتاً شامل شرایط علی، عوامل زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها در قالب مدل‌های دیداری است (کرسول⁷، 2012). این پژوهش از حدود 20 نفر عضو هیئت‌علمی صاحب‌نظر در حوزه میان‌رشته‌ای و مطالعات آموزشی در استان کردستان، پس از مصاحبه با 14 نفر از مشارکت‌کنندگان به اشباع نظری⁸ رسید. به‌عبارت‌دیگر، پژوهشگران تعیین کردند که داده‌های جدید، هیچ اطلاعات یا بینش‌های جدیدی برای مضامین در حال شکل‌گیری فراهم نمی‌کند (کرسول، 2012).

¹ Gore, Nichols, & Lipsch

² United Nations Development Program (UNDP)

³ Heady

⁴ Riggs

⁵ Stoner

⁶ Grounded Theory

⁷ Systematic (Strauss & Corbin)

⁸ Creswell

⁹ Theoretical Saturation

روش نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از نوع نمونه‌گیری نظری¹ بوده است. منظور از نمونه‌گیری نظری در روش نظریه بر خاسته از داده‌ها آن است که پژوهشگران اشکالی از داده‌ها را برمی‌گزینند که متن یا تصویرهای قابل استفاده را در تدوین نظریه فراهم آورند (بازرگان، 1398). چند دلیل برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از میان صاحب‌نظران گروه‌های آموزشی علوم تربیتی در دانشگاه‌های استان کردستان وجود داشت که عبارت بودند از دانش نظری یا تجربی مرتبط اساتید با تمرکز بر میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در علوم انسانی؛ دستیابی به یک بینش محلی - منطقه‌ای از صاحب‌نظران این حوزه میان‌رشته‌ای در راستای ایجاد قطب علمی در غرب کشور؛ جایگاه بین‌المللی رو به رشد دانشگاه‌های استان کردستان [از جمله توسعه همکاری‌های مشترک علمی و بین‌المللی دانشگاه کردستان با دانشگاه‌های آسیایی و اروپایی، اعزام دانشجویان و استادان، و میزبانی دانشجویان خارجی]؛ و نیز پیشرفت‌های ملموس دانشگاه کردستان در رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر [از جمله کسب رتبه ۲۵۰-۲۰۱ در جدیدترین رتبه‌بندی دانشگاه‌های آسیایی تایمز آموزش عالی] (دانشگاه کردستان، 1399). در نتیجه، مشارکت‌کنندگانی در این پژوهش به صورت هدفمند انتخاب شدند که به تدوین الگوی داده بنیاد نظام‌مند کمک می‌کردند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد شرکت‌کننده در جدول 1 ارائه شده است:

جدول 1: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها

محل تحصیل		سابقه (سال)		رشته دانشگاهی		درجه علمی		جنسیت	
10	داخل کشور	2	1 تا 6	2	برنامه‌ریزی آموزشی	9	استادیار	13	مرد
4	خارج کشور	4	7 تا 12	3	برنامه‌ریزی درسی	4	دانشیار	1	زن
		4	13 تا 18	6	مدیریت آموزشی	1	استاد		
		2	19 تا 24	1	مدیریت آموزش عالی				
		2	25 و بالاتر	2	فلسفه آموزشی				

ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق ساختارمند بود که بر اساس آن تجربه و دیدگاه اساتید پیرامون رهیافت به دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای در بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی اجرا گردید. دلیل استفاده از مصاحبه عمیق، ابهام‌زدایی و واکاوی بینش‌های انتقادی به ریشه‌ها و دلایل اثرگذار بر مسئله پژوهش بود و ساختارمندی مصاحبه به جهت ضرورت آن در رویکرد نظام‌مند (اشتراوس و کوربین) بود که عناصری دارد و البته با وجود انتقاداتی که در قیاس با رویکردهای ظاهرشونده (گلنزر و اشتراوس)² یا رویکرد ساخت‌گرایانه (شارماز)³ بر آن وارد است (کرسول، 2012)، عینیت‌بخشی به داده‌ها را در یک الگوی پارادایمی فراهم می‌کند تا کار را برای طراحی الگو و مدل‌سازی کیفی که مطلوب پژوهش حاضر است، تسهیل می‌کند. در طراحی چارچوب و تحلیل پاسخ‌های مصاحبه، تلاش پژوهشگران بر آن بوده تا داده‌های کیفی در یک فرایند اکتشافی بررسی شود و نتایج آن بدون دست‌کاری ذهنی و ارائه الگوی خاصی مورد تحلیل قرار گیرد. در مصاحبه‌های انجام‌شده تلاش بر آن بوده تا در زمان اجرا، به کمک یادداشت‌برداری و یادآوری نکته‌های مورد اشاره توسط مصاحبه‌شونده به ترتیب مورد کاوش قرار گیرد تا در فرایند آوانویسی⁴ ابهامی باقی نماند. بعد از انجام مصاحبه، کلیه مصاحبه‌ها از روی فایل شنیداری پیاده گردید و برای تحلیل آماده شد. منشور اجرایی مصاحبه متناسب با اجزاء الگوی داده‌بنیاد نظام‌مند، چارچوب پرسش‌های زیر بود:

¹ Theoretical Sampling

² Emergent (Glaser & Strauss)

³ Constructivist (Charmaz)

⁴ Transcription

- 1) دلایل و علت‌های به‌کارگیری دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بین‌المللی‌شدن دانشگاه ایرانی کدام‌اند؟
- 2) چه عواملی و شرایطی در دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی برای بین‌المللی‌شدن دانشگاه ایرانی دخالت دارند؟
- 3) زمینه‌های تسهیل‌کننده دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بین‌المللی‌شدن دانشگاه ایرانی کدام‌اند؟
- 4) راهبردهای به‌کارگیری دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بین‌المللی‌شدن دانشگاه ایرانی کدام‌اند؟
- 5) دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بین‌المللی‌شدن دانشگاه ایرانی چه پیامدها و دستاوردهایی در پی خواهد داشت؟

علاوه بر این، پژوهشگران در طول مصاحبه از پرسش‌های مبتنی بر موقعیت و در راستای شفاف‌سازی دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان برای درک عمیق‌تر از پدیده مورد مطالعه استفاده کردند که در ادبیات روش-شناسی تحقیقات کیفی به‌عنوان سؤالات کنکاشی یا پیگیرانه^۱ مورد بحث قرار گرفته است (کرسول، 2007 به نقل از ترنر^۲، 2010). پژوهشگران در تحلیل داده‌های هر مصاحبه با افراد مشارکت‌کننده در سه مرحله کدگذاری باز^۳، کدگذاری محوری^۴ و کدگذاری انتخابی^۵ تحلیل شدند (کرسول، 2012). در مقایسه فرایند کدگذاری رویکرد با یکدیگر، می‌توان کدگذاری واقعی در رویکرد ظاهر شونده را با مرحله کدگذاری باز در رویکرد نظام‌مند و همچنین کدگذاری نظری در رویکرد ظاهر شونده را با مراحل کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی در رویکرد نظام‌مند مورد مقایسه قرار داد. در رویکرد ظاهر شونده، چند مصاحبه اول به‌صورت باز کدگذاری می‌شوند و سپس با شناسایی مقوله محوری، مصاحبه‌های بعدی در قالب کدگذاری انتخابی ادامه می‌یابند. درحالی‌که در رویکرد نظام‌مند، کلیه مصاحبه‌ها به‌صورت باز کدگذاری می‌شوند (ساغروانی و همکاران، 1393). در این پژوهش از رویکرد نظام‌مند برای کدگذاری زیگزاکی و تحلیل داده‌ها استفاده شده است تا فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت گام‌به‌گام، صورت گیرد و اصلاحات مورد نیاز هم‌زمان با فرایند پژوهش تکمیل گردد. همچنین در گزارش مفاهیم و مضامین کدگذاری‌های محوری و انتخابی کدهایی داخل پراتز به‌صورت عددی آمده که نشانگر تعداد کدهای اصلی و مصادیق برجسته آن در جداول است. بدیهی است هر کدام از این کدها بارها در مصاحبه‌های مختلف تکرار شده ولی هر کدام فقط یک‌بار گزارش شده تا تصویری کلی فراهم سازد.

در پژوهش کیفی حاضر از راهبردهای پژوهشگر به‌مثابه کارآگاه^۶، توصیفگرهای با استنباط پایین^۷ و بازاندیشی^۸ جهت تأیید فرایند کدگذاری و تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها در اعتباریابی پژوهش کیفی (جانسون و کریستین، 2008؛ به نقل از محمدپور، 1389) استفاده گردید. به‌این ترتیب که در گام اول تحلیل داده‌های کیفی هر مصاحبه، تحلیل‌گر مصاحبه‌ها با توجه به اجزای الگوی داده‌بنیاد نظام‌مند از طریق بررسی دقیق علت‌ها و دلایل، [همچنین راهبردها و پیامدها یا زمینه‌ها و عوامل مداخله‌گر] درکی از داده‌ها از طریق حذف تبیین‌ها یا فرضیه‌های جایگزین در فرایند یادداشت‌برداری و تحلیل داده‌ها ارائه می‌داد که تا رسیدن به کدهای نهایی که

¹ Follow-up or probing questions

² Turner

³ Open coding

⁴ Axial coding

⁵ Selective coding

⁶ Researcher as Detective

⁷ Low Inference Descriptors

⁸ Reflexivity

فراتر از تردیدهای اولیه، ادامه می‌یافت. در گام دوم، برای عینیت‌بخشی به نتایج کدگذاری، از کدهای زنده و توصیف‌های برخاسته از دیدگاه مشارکت‌کنندگان و یادداشت‌های میدانی به‌صورت نقل‌قول‌های مستقیم و کلمه به کلمه استناد می‌شد که توصیف‌ها تا حد امکان ساده و قابل‌فهم بودند. در گام نهایی، ضمن خودآگاهی و خودانتقادی، فرایند و استنتاج‌های پژوهشگران برای کاهش سوگیری‌ها و تمایلات درونی آن‌ها موردتوجه قرار گرفت تا دخالت ذهنیت در تفسیر یافته‌های کیفی تا حد امکان کاهش یابد (محمدپور، 1389).

یافته‌های پژوهش

برای پاسخگویی به مسئله پژوهش بر اساس تحلیل داده‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، یافته‌های کیفی برای توضیح دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای با تمرکز بر مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی سازی آموزش عالی پنج طبقه کلی شامل (1) دلایل اثرگذار بر دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی؛ (2) عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی؛ (3) بسترها و زمینه‌های مؤثر برای دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی؛ (4) راهبردهای دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی؛ و (5) پیامدهای دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی را می‌توان شناسایی کرد که همراه با نقل‌قول‌ها و کدهای مربوطه گزارش شده است:

1) دلایل اثرگذار بر دیپلماسی میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی شدن کدام‌اند؟

در تحلیل یافته‌های کیفی مصاحبه‌ها، بخشی از کدهای محوری ازجمله مسائل زبانی در آموزش و پژوهش بین‌المللی؛ و دانش محتوای درسی و آموزشی دانشگاه‌های کشور ناظر به دلایل اثرگذار بر دیپلماسی میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی است. در ادامه نقل‌قول‌های منتخب از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها گزارش شده است:

الف) مسائل زبانی در آموزش و پژوهش بین‌المللی

مشارکت‌کنندگان در مورد مسائل زبانی در آموزش و پژوهش بین‌المللی چنین دیدگاهی را عرضه کرده‌اند:

✚ یک سری ابزارها برای بین‌المللی‌شدن دانش تربیتی وجود دارد که همان زبان آموزشی است که نظام آموزشی ایران در این زمینه ضعف دارد. نه تنها در زبان انگلیسی و عربی، بلکه حتی در آموزش زبان فارسی هم مشکل داریم، به طوری که نمونه‌های بسیاری زیادی وجود دارد که حتی شاگردان تیزهوش هم حتی اشتباهات املائی دارند (استادیار فلسفه آموزشی).

✚ ما در این زمینه مشکل زبانی هم داریم زبان فارسی فعلی یک زبان بین‌المللی نیست. برای اینکه آموزش عالی را بین‌المللی کنیم و برایش مشتری جذب کنیم یا باید زبان فارسی را تقویت کنیم تا از لحاظ علمی به زبان بین‌المللی تبدیل شود. دانشجویان خارجی که بخواهند در ایران تحصیل کنند باید به چه زبانی تحصیل کنند. اگر سیاست‌ها ما بر توسعه زبان فارسی باشد برای آموزش مشتری خواهیم داشت. تقریباً در کشورهای هم‌جوار یا فارسی بلد هستند یا از طریق مراودات فرهنگی و موسیقی، رسانه‌ها و کتاب‌ها، مسائل مذهبی و اینکه قبلاً بخشی از آن‌ها جزو ایران بوده‌اند کمابیش همانند ما که تا حدودی با ترکی، افغانی، تاجیکی، یا عربی آشنا هستیم. فکر می‌کنم که فعلاً اگر بتوانیم در کشورهای همسایه که بتوانند زبان فارسی را به‌عنوان زبان آکادمیک قبول کنند، امکان بین‌المللی کردن آموزش عالی را برای کشورهای منطقه خواهیم داشت. در کشورهای مثل هند و مالزی اگر آموزششان را توانسته‌اند بین‌المللی کنند چون از زبان انگلیسی استفاده می‌کنند. مشکل ما این است که مجاز نیستیم زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان رسمی آموزش استفاده کنیم و از سوی دیگر دانشجویان و اساتید ما هنوز در سطحی نیستند که بتوانند زبان انگلیسی صحبت کنند و یا بنویسند ... تقریباً هر دانشجوی ایرانی که خارج رفته حتی از زمان امیرکبیر یکی از مشکلاتش زبان بوده (دانشیار مدیریت آموزشی).

ب) دانش محتوای درسی و آموزشی دانشگاه‌های کشور

دانش محتوایی برنامه‌های درسی و آموزشی از جمله مواردی بود که چند نفر از مصاحبه شدگان آن را چنین تفسیر می‌کنند:

✚ نکته دیگری که واقعاً نظام آموزش عالی ما نتوانسته آن را فراهم کند به آموزش رسمی برمی‌گردد که اساساً هیچ انطباقی با هیچ‌کدام از محورهای آموزشی جهان ندارد. به‌عنوان مثال نگاه کنید که در فلسفه تربیتی، محتوای آموزش چیزی حدود 60 تا 70 سال از تحولات آموزشی در سطح بین‌المللی عقب است و پویایی درونی علم در هر دانشی بعد 5-6 سال از بین می‌رود و باید مرتباً به‌روزرسانی شود. وقتی کتاب‌ها، محورهای آموزشی و رویکردها منطبق با تحولات آن رشته نباشد، چه دانشی را می‌خواهید بین‌المللی کنید؟ (استادیار فلسفه آموزشی).

✚ برنامه‌ریزی درسی در دانش تربیتی می‌تواند از نظر تدوین کتاب‌های درسی جهانی که در سطح رشته‌ها و دانشگاه‌های معتبر تدریس می‌شود، مؤثر باشد و باید برای بین‌المللی‌کردن، کتاب‌های قدیمی عوض شوند. به نظرم آنچه لازم است بین‌المللی شود درون‌مایه و محتوای آموزش‌هاست به‌طوری‌که دانشجو و یادگیرنده در دانشگاه‌های داخل کشور بتواند ادعا کند سیلابس‌ها و سرفصل‌هایی دریافت می‌کند مشابه دانشگاه‌های برتر دنیا است. در نتیجه برنامه‌ریزان درسی و آموزشی باید تجارب یادگیری و برنامه‌های درسی و آموزشی را به سمت بین‌المللی‌شدن هدایت کنند (دانشیار برنامه‌ریزی درسی)

جدول 2: شرایط و علل اثرگذار بر دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی

کد انتخابی	کد محور	کد باز
دلایل اثرگذار بر بین‌المللی شدن دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی (31)	دانش محتوای درسی و آموزشی دانشگاه‌های کشور (13)	ضعف محتوا و روش‌شناسی در نظام آموزشی و درسی کشور؛ فاصله محتوای آموزشی ایران با دانش مطالعات آموزشی روز دنیا؛ استفاده از دانش و دانسته‌های دیگران و عدم تثبیت جایگاه معرفتی در دانش تربیتی؛ ضعف سرویس‌دهی دانش تربیتی دانشگاه‌های ایرانی به کشورهای توسعه‌یافته؛ غالب بودن رویکرد سپرده‌گذاری آموزشی به دانشجویان و تکرار دانش؛ نقش کم‌رنگ دانش تربیتی در سطح خرد برای بین‌المللی کردن؛ عقب بودن دانش تربیتی ما از تحولات علمی روز؛ کهنه بودن رویکرد آموزش و محتوای علمی کتاب‌ها؛ داشتن دیدگاه بومی به دانش تربیتی در نظام آموزشی؛ ضعف رشته مطالعات آموزشی در دانشگاه‌های داخل کشور؛ ناتوانی در اثرگذاری دانش تربیتی بر تصمیم‌گیری‌های نظام آموزشی؛ مسئله فاصله و شکاف محتوایی بین آموزش عالی و آموزش و پرورش؛ عدم ایفای نقش کافی دانش تربیتی به‌تنهایی در بین‌المللی کردن آموزش؛
	مسائل زبانی در آموزش و پژوهش بین‌المللی (18)	مشکل رسمی نبودن زبان فارسی در جهان؛ ضعف زبان‌آموزی در نظام آموزشی ایران؛ مشکل مغایرت آموزش و تحصیل به زبان خارجی با توجه به مغایرت با سیاست‌های کلان کشور؛ سیاست‌های کلان برای آموزش به زبان فارسی و عدم استقبال از زبان‌های بیگانه؛ کمبود توانایی و ظرفیت اساتید و دانشجویان داخلی در به‌کارگیری زبان خارجه؛ کیفیت پایین تدریس با توجه به تسلط ضعیف اساتید داخلی به زبان خارجه؛ مشکلات استرس و فشارهای روحی و روانی در عدم تفاهم و ارتباط زبانی؛ عدم مجوز برای تدریس و تحصیل به زبان خارجی در داخل کشور؛ انعطاف‌پذیر کردن نظام آموزش عالی برای ارائه آموزش چندزبانه؛ زبان انگلیسی به‌عنوان یک‌زبان بین‌المللی جهت آشنایی با اصطلاحات علمی و دیدگاه‌های نوین؛ زبان بین‌المللی مشترک برای ارتباط با مؤسسات تحقیقاتی و مقایسه راه‌حل‌های آموزشی بین نظام‌های آموزشی؛ زبان مشترک و تفاهم بر مؤلفه‌ها و مفاهیم، راهبردها و مدل‌های مفهومی دانشگاهیان برای ارتباط مؤثر؛ احتیاج به اشتراک معانی در مفاهیم و واژگان و اصطلاحات در بعد بین‌المللی شدن و جامعه جهانی؛ اختیار کردن بستر، زبان و ابزار ارتباطی مشترکی دانش بین‌رشته‌ای دانشگاهی به‌صورت پداگوژیک؛ توانمندی زبانی طرفین در تکلم به زبان ارتباطی مشترک انگلیسی در سطح بین‌المللی؛ تسلط گفتمان مشترک و دیپلماسی دانشگاهی علاوه بر زبان مشترک بین‌المللی؛ اشتراک معانی و تجربه و برخورداری از استانداردهای محتوای واحد دانشگاهی؛ اشتراک معانی و تجربه و برخورداری از استانداردهای دانش واحد دانشگاهی؛

2) عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی شدن کدام-اند؟

در تحلیل یافته‌ها، بخشی از کدهای محوری از جمله عوامل تصمیم‌گیری در نظام سیاست‌گذاری دانشگاهی؛ عوامل توسعه ارتباطات و آموزش‌های مجازی؛ و مسائل تمرکززدایی، استقلال دانشگاهی و آزادی علمی ناظر به عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی میان‌رشته‌ای دانشگاهی در بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی هستند.

الف) تصمیم‌گیری در نظام سیاست‌گذاری دانشگاهی؛

مشکلات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان از مواردی است که توسط افراد مورد مصاحبه چنین تعبیر شده است:

✚ فکر می‌کنم اگر بخواهیم نقش دانش تربیتی را در بحث بین‌المللی کردن رشته‌ها بررسی کنیم، به مدیریت کلان کشورها در آموزش برمی‌گردد. در سیستم‌های متمرکز بخش زیادی از تصمیم‌ها توسط سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و تیمی از کارشناسانشان که در وزارتخانه مستقر هستند، صورت می‌گیرد. اگر شیوه‌های غیرمتمرکز داشته باشیم و رقابت آموزشی باشد، آن وقت نقش برنامه‌ریزان آموزشی و دانش تربیتی پررنگ‌تر خواهد شد. می‌توان از استعداد کلیه برنامه‌ریزان آموزشی در ارتباط با همکاران در کشورهای هم‌جوار و سپس وزارتخانه و مدیران عالی‌رتبه استفاده کرد تا در سیاست‌گذاری‌ها، خط‌مشی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها برای بین‌المللی کردن آموزش عالی تأثیر بگذارند. البته بحث کیفیت‌بخشی به آموزش-ها برای بهره‌وری آموزشی فراتر از مرزها نیازمند نگاه کالایی به آموزش، رقابت-پذیری، مشتری‌مداری و کسب رتبه‌های دانشگاهی اهمیت زیادی دارد (دانشیار مدیریت آموزشی).

✚ سیاست‌گذاری در جهان امروز یک سیاست‌گذاری در فضای انتزاعی نیست بلکه بر مبنای یک دانش مشخص به‌عنوان آینده‌نگری است که در سطح جهانی از آن برای پیش‌بینی آینده استفاده می‌کنند. چون بخشی از سیاست‌گذاران دانش آینده-نگری ندارند، نمی‌توانند برای بین‌المللی کردن آموزش عالی تصمیم‌گیری کنند (استادیار فلسفه آموزشی).

✚ گام‌هایی اولیه که برای بین‌المللی شدن دانشگاه برداشته می‌شود شامل مرادوات علمی و دیپلماسی دانش به‌صورت انفرادی است. مثلاً خیلی از دانشجویان از طریق ویدیو کنفرانس در دوره‌های بین‌المللی دانشگاه‌های معتبر شرکت می‌کنند اما سیاست‌هایی که از طریق اساتید و دانشجویان در سطح خرد انجام می‌شود و اقدام اساسی نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزان درسی و آموزشی و نقش دیپلماسی دانش تربیتی در سطح تصمیم‌گیری کلان آموزش عالی است (دانشیار برنامه‌ریزی درسی).

ب) توسعه ارتباطات و آموزش‌های مجازی

رفع موانع فناوری، توسعه ارتباطات علمی و آموزش‌های مجازی در توضیحات مصاحبه‌شوندگان چنین آمده است:

✚ در مورد اینکه دانش تربیتی چه می‌تواند بکند، بحث آموزش مجازی، الکترونیکی، آموزش از راه دور و آموزش مبتنی بر وب از مواردی است که در حیطه دانش تربیتی است و از طریق این‌ها می‌توانیم آموزش عالی را بین‌المللی کنیم. در حال حاضر دوره‌هایی وجود دارند به اسم مس کورس یا دوره‌های عمده و دانشجویان تمام دانشگاه‌های دنیا در آن شرکت کنند و یاد بگیرند. مثلاً جورج زیمنس به‌عنوان یکی از کسانی که در این زمینه کار می‌کند حدود 4 تا 5 میلیون دانشجو در سراسر جهان دارد و به‌طور هم‌زمان یا غیرهم‌زمان در آن شرکت می‌کنند. بنابراین، دانش تربیتی در حیطه تکنولوژی آموزشی و آموزش مجازی اگر طراحی خوبی بکنیم می‌تواند خیلی اثرگذار باشد (دانشیار برنامه‌ریزی آموزشی).

✚ به دلایل مختلف از جمله کمبود ارائه خدمات اینترنتی باکیفیت و یا بی‌میلی خیلی از مدرسان و دانشگاهیان در استفاده از فناوری در آموزش، آموزش‌های مجازی در داخل کشور را مختل کرده چه برسد به آموزش باهدف مخاطبان خارجی. در چنین وضعیتی بین‌المللی شدن دیپلماسی دانش در کشورمان با چالش اساسی روبرو است و تا زمانی شرایط تغییر نکند قضیه منتفی است (استادیار برنامه‌ریزی درسی).

ب) ساختار قدرت علمی - اجرایی و اختیارات دانشگاهی

یکی از کدهای مورد اشاره در صحبت‌های مشارکت‌کنندگان ساختار قدرت علمی - اجرایی و اختیارات دانشگاهی است:

گرچه به لحاظ فنی بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی و آموزشی و دانش تربیتی نقش اساسی را اجرا کند، اما بین‌المللی کردن هر پدیده‌ای یک مسئله سیستماتیک است که ابعاد و حلقه‌های مختلف دارد. اگر به لحاظ دانش برنامه‌ریزی درسی توانایی کافی داشته باشیم ولی به لحاظ سیاست‌گذاری برنامه‌های آموزشی و درسی در سطح مناسبی نباشد، نمی‌تواند تأثیری داشته باشد. بنابراین، دلیل بین‌المللی‌نشدن برنامه‌های درسی، مفقود شدن حلقه‌های ارتباطی و مشکلات سیستماتیک نمی‌توانیم دانش تربیتی را بین‌المللی کنیم. به لحاظ آزادی آکادمیک و علمی اساساً اینجا چیزی به اسم آزادی علمی نداریم. خصوصاً از نظر برنامه درسی در کشورهای خارجی نوعی آزادی علمی داریم؛ آزادی اینکه چه بگویید و چه محتوایی تولید کنید چه واحدهایی بخوانید، به لحاظ شکل اجرا هم فرق می‌کند. مثلاً دانشجوی دکتری، خود و استادش تصمیم می‌گیرند چه واحدهای تدریس شود و یا وقتی یک دانشجو، مقاله‌ای در یک همایش ارائه می‌کند به‌عنوان واحد درسی در نظر می‌گیرند. همچنین جایگاه دانش تربیتی در کشور شناخته‌شده نیست. امروزه کدام وزیر آموزش و پرورش یا آموزش عالی یا رئیس دانشگاه از دانش تربیتی استفاده می‌کند؟ (دانشیار برنامه‌ریزی آموزشی).

سیاست‌گذاری به‌طور کلان می‌تواند راهبرد و جهت‌گیری کلی را مشخص کند ولی چون بحث حرفه‌ای است، حوزه هر رشته‌ای در آموزش عالی باید توسط متولیان رشته‌ها مدیریت شود. در بین‌المللی کردن آموزش عالی، صحبت از یک یا چند رشته خاص نیست. چون در آموزش عالی ماهیت بحث حرفه‌ای است حوزه هر رشته از سایر رشته‌ها جداست. عوامل اصلی همان اعضای هیئت علمی پیشکسوت در رشته‌ها هستند. رشته ریاضی شاید به لحاظ مشورت درباره ساختار محتوا و روش تدریس بتوانند از دانش تربیتی کمک بگیرند اما نقش اصلی را خودشان دارند رشته را از نظر بین‌المللی توسعه می‌دهند و یا بحث گرایش به‌سوی تبادل استاد و دانشجو داشته باشد. بنابراین، نظام کلی تعیین می‌کند که تعامل باشد یا نباشد اما مسئولیت اصلی بر عهده خود اعضای هیئت علمی است (استادیار آموزش عالی).

در سطح کلان از وزیر علوم گرفته تا رؤسای دانشگاه‌هایمان مشاهده می‌کنیم که به‌ندرت پیش می‌آید کسانی پیدا شوند که دانش و تخصص لازم داشته و مثلاً در مدیریت آموزشی و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی صاحب‌نظر باشند. بنابراین، تخصص - گرایی در ساختار مدیریت و رهبری دانشگاه‌ها ضرورت دارد (استادیار مدیریت آموزشی).

مثلاً وقتی می‌خواهید یک سخنران کلیدی و مطلع در یک حوزه علمی دعوت کنید که هیچ ربطی به سیاست ندارد و عضو هیچ نهاد امنیتی هیچ کشوری نبوده، باید واحد دانشگاهی اسم و مشخصات را به مرکز و وزارت گزارش بدهد تا استعلام کنند و گاهی تا موفقیت کنند فرصت از دست‌رفته است و به‌شخصه برای من پیش آمده که بدون هماهنگی ایجاد مشکل کرده است. طبیعتاً این موازین ساختاری، حقوقی، سیاسی و ایدئولوژیک که در قالب اداری عینیت پیدا کرده همین است یا وقتی که دانشگاه کردستان به‌عنوان یک اقدام و گام در راستای بین‌المللی شدن، 200 دانشجو را از کشورهای همسایه می‌پذیرد شبانه در وسط‌ترم دوم آن‌ها را بیرون می‌کشند و از مرز بیرون می‌کنند به ساختار نظام آموزش عالی متمرکز و ایدئولوژیک برمی‌گردد. پس موانع اداری، سازمانی، حقوقی و سیاسی هستند که در کشور ما مانع بین‌المللی‌سازی است و دانشگاه‌ها از استقلال عمل لازم برخوردار نیستند. درحالی‌که در دانشگاه‌های انگلیس 55 درصد اعتبارشان را از دولت می‌گیرند و 45 درصد هم از طریق پذیرش دانشجو و تحقیقات و دیگر زمینه‌های تنوع‌بخشی به درآمد کمک می‌کند تأمین می‌شود اما مطلقاً هیچ نهاد دولتی در هیچ حوزه‌ای از دانشگاه‌ها دخالت نمی‌کند و هرکدام از دانشگاه‌ها یک وزارت مستقل هستند (استاد برنامه‌ریزی آموزشی).

جدول 3: عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی

کد انتخابی	کد محور	کد باز
عوامل مداخله‌گر در بین‌المللی شدن دیپلماسی میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی (58)	ساختار قدرت علمی - اجرایی و اختیارات دانشگاهی (14)	تمرکززدایی فعالیت‌ها از طریق افزایش استقلال علمی و دانشگاهی آن‌ها؛ کمبود آزادی علمی به‌ویژه در حوزه دانش رشته‌های علوم انسانی؛ آزادی انتخاب محتوا و دانش توسط دانشجو و استاد در نظام‌های آموزش عالی بین‌المللی؛ افزایش خلاقیت و رقابت‌پذیری بیشتر در صورت تمرکززدایی؛ ضرورت تمرکززدایی دانشگاه‌ها وابستگی به نظام‌های دولتی متمرکز غالباً ایدئولوژیک؛ واگذاری اختیارات به دانشگاه‌های ایرانی برای ارتباط بین-المللی با خارج از کشور؛ برخورداری دانشگاه‌ها از استقلال و آزادی دانشگاهی برای نقد امور و ارائه راهکارهای خروج از بحران؛ نظام متمرکز تصمیم‌گیری به‌عنوان مهم‌ترین مانع ساختاری، حقوقی، سیاسی، ایدئولوژیک و دیوانی کشور؛ نبود استقلال کامل دانشگاه‌ها برای گسترش روابطشان با مراکز دانشگاهی خارج از کشور و انتشار مشترک؛ نیاز به استقلال دانشگاه در سیاست‌های پذیرش دانشجو و تعامل و جذب اساتید و فرصت مطالعاتی؛ بی‌اثر شدن بین‌الملی‌سازی سطوح خرد در صورت عدم تناسب سیاست‌ها و خطی‌مشی‌های کلان آموزش عالی؛ عدم استفاده از کلیه استعدادها برنامه‌ریزان آموزشی و دانش‌های تربیتی؛ حذف بروکراسی و اصلاح قواعد اداری و سیاسی برای تطبیق‌پذیری با سیستم‌های جهانی؛ نیاز به تمرکززدایی با خصوصی‌سازی واقعی دانشگاه‌ها؛
	توسعه ارتباطات و آموزش‌های مجازی (17)	نیاز به امکانات نرم‌افزاری و ارتباطی برای توسعه آموزش‌های مجازی مثل ویدئو کنفرانس؛ نیاز به رفع تحریم‌ها و جذب اعتماد بین ایران و سایر کشورها؛ کارایی بیشتر آموزش از راه دور برای افراد شاغل، خانه‌دار و معلول؛ گرایش بسیاری از دانشجویان به لذت تعامل بیشتر بین استاد و دانشجو؛ انفرادی بودن اقدامات دانشجویان و اساتید در ارتباط با دریافت آموزش مجازی یا تعامل پژوهشی؛ طراحی فضاها، امکانات و تعیین هزینه‌های آموزشی؛ برقراری بسترهای مالی و اقتصادی آموزش دانشگاهی؛ نقش اساتید و هیئت‌علمی در اجرای دروس تخصصی دانشگاهی؛ ارتباط دانشجویان با سایر دانشگاه‌های خارجی و شرکت در دوره‌های مجازی؛ نیاز به طراحی محتوای مناسب آموزش با فناوری آموزشی؛ نقش دانش تربیتی در آموزش مجازی و الکترونیک؛ نیاز به آموزش مبتنی بر وب و از راه دور؛ ناقص بودن اجرای آموزش از راه دور در کشور؛ از دست دادن ماهیت آموزش از راه دور با افزایش شعبات دانشگاهی داخل کشور؛ تسهیل دسترسی افراد به آموزش عالی در داخل کشور و کشورهای همسایه؛ توسعه دستاوردهای فناوری و آموزشی در دانشگاه‌ها؛ اشتراک معانی و تجربه و برخورداری از استانداردهای فناوری واحد دانشگاهی؛
	تصمیم‌گیری در نظام سیاست‌گذاری دانشگاهی (27)	نقش اصلی سیاست‌گذاری و مدیران در سطح دانشگاه‌ها و در سطح وزارت؛ اهمیت تصمیم‌گیری‌ها و ارائه عملی برای کارهای زیربنایی در سطح وزارت؛ نقش برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در ارائه خط‌مشی به مدیران و نفوذ در تصمیم‌گیری‌های سطح وزارت؛ بین‌المللی شدن از طریق چشم‌اندازها، مأموریت‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های سیاست‌گذاران آموزش عالی؛ کم‌رنگ بودن نقش برنامه‌ریزان آموزشی استان‌ها و شهرستان‌ها در نظام‌های متمرکز؛ نقش پررنگ دانش تربیتی و برنامه‌ریزان آموزشی در صورت تمرکززدایی و رقابتی کردن آموزش؛ نقش حاکمیت و سیاست‌گذاری در ارائه مجوز ساختاری برای بین‌المللی‌سازی؛

	<p>پتانسیل سیستم کلان مدیریت آموزشی کشور در بین‌المللی کردن رشته‌ها؛ سیاست‌گذاری و تعیین سرفصل‌های علمی توسط متخصصان در سطح کلان؛ لزوم اصلاح دید امنیتی و سیاسی و یا کنترل در سفارتخانه‌ها و قبل از پذیرش دانشجوی خارجی؛ مشکلات امنیتی و اتهام جاسوسی به دانشجویان خارجی محصل در ایران؛ تأثیرپذیری آموزش عالی از مسائل سیاسی و سیاست‌زدگی؛ نیاز به تغییر نگرش مدیران در سطح مدیران آموزشی دانشگاه‌های برتر دنیا؛ توجه ساختارهای مدیریتی نوین در آموزش عالی؛ ضرورت اجرای تغییرات آزمایشی و بازخورد دادن به سیستم؛ عدم تخصص‌گرایی در سطح مدیران و برنامه‌ریزان آموزش عالی کشور؛ نیاز به نقش بیشتر متخصصان و اعضای هیئت‌علمی پیشکسوت در بین‌المللی کردن؛ اصلاح و تغییر نگرش مسئولان وزارت خانه برای اخذ مشاوره از دانش تربیتی و برنامه‌ریزان آموزشی؛ مشکل عدم تخصص‌گرایی مدیریت مراکز آموزشی در سطح مدیریتی وزارت علوم تا دانشکده‌ها؛ ارتباط ضعیف تصمیم‌گیران در مدیریت‌ها و معاونت‌ها در سطوح کلان و خرد دانشگاهی با دانش تخصصی؛ نیاز به تخصص‌گرایی در دانش‌های تربیتی و تقویت مجموعه مطالعات آموزشی؛ گرایش وزیران آموزش عالی و روسای دانشکده‌ها به دانش رشته‌های غیر تربیتی؛ کمبود بینش واقعی به بین‌المللی سازی در آموزش عالی؛ نیاز به همکاری بین مدیران و مسئولان وزارتی و پژوهشگران و متخصصان مطالعات آموزشی؛ مشکلات توجه مدرک‌گرایی به جای تخصص‌گرایی؛ فقدان دانش آینده‌نگری در مدیران آموزشی و نیاز به سیاست آینده‌نگری در تصمیم‌گیری‌ها؛ نظارت، شفافیت و پاسخگو نمودن افراد دانشگاهی؛</p>
--	--

3) زمینه‌های مؤثر در دیپلماسی میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی شدن کدام‌اند؟ در تحلیل یافته‌های کیفی مصاحبه‌ها، بخشی از کدهای محوری از جمله رویکرد تولید علم و پژوهش دانشگاهی؛ توسعه کیفی رقابت‌پذیری و اعتبار دانشگاهی؛ و بومی کردن نیازهای فرهنگی و اجتماعی ناظر به نقش تقویت‌کننده علوم تربیتی در بین‌المللی کردن آموزش عالی است. نقل‌قول‌های مستقیم از مشارکت‌کنندگان ارائه شده است:

الف) رویکرد تولید علم و پژوهش دانشگاهی

رویکرد تولید علم و تحقیقات دانشگاهی از دیگر مواردی است که مشارکت‌کنندگان آن را چنین شرح می‌دهند:

یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های نظام آموزش عالی یکی تولید علم و دیگری آموزش و تدریس است. در ارتباط با تولید علم که هم به لحاظ نرم‌افزاری و هم سخت‌افزاری. تفاوت اساسی با دانشگاه‌های خارج کشور داریم. فرض بفرمایید اساسی‌ترین رکن برای تولید علم، داشتن داده‌ها و اطلاعات، مواد آزمایشگاهی و دانش برای تولید علم است که در کشور ما قرین نیست. در دانشگاه‌های خارجی، دانشجویان با آخرین ژورنال‌ها و مقالات و کتاب‌های علمی در حوزه دانش رشته خودشان دسترسی دارند. به لحاظ روش تولید علم هم خصوصاً در زمینه علوم انسانی بسیار متفاوت هستیم. پیش‌فرض‌های ما در تولید علم بسیار پوزیویستی است که با مسائل جهان امروز همخوانی ندارند و هرروز عوض می‌شوند. در زمینه آموزش به قول پائولو فریره ما هنوز سیستم بانکداری آموزشی داریم. بنابراین هم به لحاظ روش و هم منابع تولید علم مشکل داریم (دانشیار برنامه‌ریزی آموزشی).

نگرش به تولید علم در ایران اشتباه است. مقالات ISI بازآزمایی نظریه یا سنجش دو مفهوم را نمی‌توان تولید علم نامید. تولید علم وقتی است که یک کشف جدید یا یک تکنولوژی جدید و یا یک نظریه‌پردازی عرضه کرده باشید. مثلاً کدام نظریاتی که در زمینه علوم انسانی و تربیتی ارائه شده سهم ایرانیان بوده است؟ به جز پزشکی در سایر رشته‌ها همین‌طور است ...

اساساً نگرش در آموزش عالی ایران نسبت به تولید علم اشتباه است متأسفانه در کشورمان شاهد آن هستیم که در سطح دانشگاهی از تحقیقات بدون رعایت اصول اولیه اخلاق پژوهشی و بدون توجه به دستاوردهای عملی و کاربردی تحقیقات با اهداف و مقاصد غیرعلمی همچون کسب امتیاز و پر کردن رزومه رقابتی ناسالم از نظر علمی و اخلاقی ایجاد شده که تنها آمار مقالات را بالا برده است (استادیار فلسفه آموزشی).

آموزش عالی کشور ما به دلیل تفاوت در اساس و ماهیت تولید علم نمی‌تواند در حال حاضر با کشورهای توسعه‌یافته رقابت داشته باشد اما با کشورهای منطقه که از نظر علمی و فرهنگی در یک سطح هستیم، می‌توانیم نقش رهبری پیشروی در منطقه داشته باشیم. چراکه در معرفت‌شناسی دانش تربیتی با کشورهای منطقه در خاورمیانه نزدیک‌تر است تا کشورهای غربی. مثلاً اگر بتوانیم با کشورهای اسلامی و حتی فراتر از آن اشتراک فرهنگی داریم گرهمایی‌ها و تبادل نظر کنیم، می‌توانیم نقش مؤثری در بین‌المللی کردن آموزش عالی داشته باشیم. (دانشیار مدیریت آموزشی).

به نظرم من برای تولید علم دانشگاهی و مشارکت تحقیقاتی، توانمندسازی دانشگاه‌ها مخصوصاً با تأکید بر اعضای هیئت علمی انجام شود که بتوانند همگام با تغییرات و تحولات جهانی و تکنولوژی پیش بروند. باید پرسید آیا دانشگاه ما همپای یک دانشگاه معتبر اروپایی است؟ آیا توانمندی‌ها، سطح سواد و علم اعضای هیئت علمی ما در حدی است که بتوانند تعامل و مراوداتی با دانشگاه‌های برتر اروپایی داشته باشند؟ پس خیلی مواقع باید توانمندسازی انجام شود تا اعضای هیئت علمی به سطح لازم که حرفی برای گفتن در سطح جهانی داشته باشند، برسانیم تا در راستای بین‌المللی شدن دانش در آموزش عالی گام برداریم (استادیار مدیریت آموزشی).

حوزه دیگری که به نظرم می‌تواند نماد بین‌المللی کردن علم در دانشگاه‌ها باشد استفاده کردن و پیدا کردن ظرفیت‌هایی است در یک جامعه یا موسسه آموزش عالی هدف. شما اگر این ظرفیت را پیدا کردید و علاقه مشترک را بین ایجاد ظرفیت در طرفین دیدید، در قالب سمینارهای مشترک یا کارگاه‌های آموزشی و فعالیت مشترک، دو مرکز دانشگاهی را به هم وصل کنید و شبکه‌ای از ارتباطات باعث می‌شود یک دانشگاه منفعل به عضوی فعال از یک تیم گسترده‌تر تبدیل شود (استاد برنامه‌ریزی آموزشی).

ب) توسعه کیفی رقابت‌پذیری و اعتبار دانشگاهی

مشارکت‌جویان در تفسیر توسعه کیفی رقابت‌پذیری و اعتبار دانشگاهی دارای دیدگاه‌هایی بدین شرح است:

بخشی که من بر روی آن تأکید خواهم کرد کیفیت آموزش ماست که واقعاً تا چه حد قابل رقابت است و مدرک ما در سطح بین‌المللی چقدر معتبر است. مثلاً کسی که در دانشگاه تهران بخواند درس بخواند و به کشورش برگردد و در مقاطع بالاتر ادامه تحصیل دهد آیا دانشگاه‌های دیگر می‌پذیرند و معتبر است و آیا وجه علمی داریم. همین‌طور بحث رقابت بین دانشگاه‌های دولتی، آزاد و پیام نور از دیگر مواردی است که اگر شرایط رقابتی باشد و مدارک دانشگاهی، برای دانشجویان خارجی معتبر باشند استقبال می‌کنند. همچنان که دانشجویان ایران که در خارج کشور تحصیل می‌کنند، دانشگاه‌های کشوری مثل انگلیس با وجود چندین دانشگاه خوش‌نام قدیمی مثل آکسفورد و کمبریج، همه تقریباً مدارک معتبر و مشابهی دارند. من فکر می‌کنم بحث کیفیت آموزش و خدمات رفاهی از دغدغه‌های اصلی است (دانشیار مدیریت آموزشی).

شعبه دانشگاه‌هایی که در کشورهای مختلف به‌طور چندملیتی اداره می‌شوند و دانشگاه‌های مادری که در کشورهای مختلف شعبه می‌زنند، می‌تواند به توسعه علوم دانشگاهی و علوم انسانی و اجتماعی یا تربیتی در راستای بین‌المللی کردن آموزش عالی کمک کند. از آنجایی که باید رقابتی داشته باشیم، لازم است روشن شود که آیا فارغ‌التحصیلان دانشگاهی‌مان به آن سطح از دانش و مهارت و

انگیزشی رسیده باشند که با استانداردهای بین‌المللی انطباق دارد؟ (استادیار مدیریت آموزشی)

پ) تنوع‌بخشی به نیازهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها

توجه به نیازهای چندفرهنگی و بومی از جمله مواردی است که مصاحبه‌شوندگان در توضیح آن چنین می‌گویند:

دانشگاه آکسفورد را در نظر بگیرید که یکی از قوی‌ترین دانشگاه‌ها در رتبه‌بندی جهانی است. این دانشگاه خصوصی است و چون به‌صورت غیرمتمرکز کار می‌کند بروکراسی اداری را ندارد و خودش را با نیازهای بین‌المللی در کشورهای مختلف تطبیق می‌دهد. این دانشگاه برای دانشجویان مسلمان، بودائی و غیره یک سری خدمات خاص دارد و برای فرهنگ‌های دیگر جشن‌ها و مراسم و برنامه‌های فرهنگی خاصی دارد (دانشیار برنامه‌ریزی درسی).

ساختار دانش در رشته‌های مختلف دانشگاهی متفاوت است. برخی رشته‌ها مانند شیمی یا فیزیک و ریاضی بار فرهنگی و ارزشی خنثی دارند اما رشته‌های مرتبط با دانش تربیتی در آموزش عالی و آموزش عمومی خالی از ارزش نیستند به‌طوری‌که اساتید و فارغ‌التحصیلان در قیاس یک محیط آموزشی با فرهنگ و زمینه ارزشی سایر محیط‌های آموزشی، ممکن است موضوع واحدی را نتوانند آموزش دهند یا ببینند و نیازمند تعامل و سازگاری فرهنگی هستند برنامه‌های درسی باید بتوانند همگام با توسعه شتاب‌آور در سطح بین‌المللی در عرصه آموزش عالی نیز خوب درک کنند و با نیاز فرهنگی و بومی مملکت خودمان هماهنگ سازند و تعادلی بین استانداردها را در سطح بین‌المللی و در سطح بومی و منطقه‌ای رعایت کنند و از اساتیدی که تجربه بین‌المللی در زمینه کثرت فرهنگی دارند کمک گرفته شود، چون تنوع فرهنگی در آموزش عالی ایران خیلی مغفول مانده است. متولیان بتوانند نگاه بین‌المللی را با توجه به توسعه شتابان آموزش بین‌المللی با فرهنگ بومی و محلی تطبیق دهند تا هم استاندارد بین‌المللی را لحاظ کنند و تعادلی خاص بین آن‌ها و استانداردهای جامعه ملی و محلی ایجاد کنند (استادیار آموزش عالی).

گرچه در بین‌المللی شدن رشته‌های علوم انسانی و تربیتی، مباحث فرهنگی و اجتماعی وجود دارد اما همه مسئله این نیست. مثلاً در دانشگاه پیام نور، اگر یک یا دو درس تعیین شود تا از استاد خارجی استفاده کنیم، می‌شود به‌طور سیستماتیک حداقل دو مورد از درس‌ها را به استادی خارجی بدیم و حداقل ما هم بتوانیم یکی دو درس را در دانشگاه خارجی تدریس کنیم، در این صورت می‌توانیم این تفاوت‌های فرهنگی را تشخیص بدهیم و میزان تفاوت و نحوه اصلاح آن را برطرف کنیم (استادیار مدیریت آموزشی).

جدول 4: زمینه‌های مؤثر بر دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی

کد انتخابی	کد محور	کد باز
زمینه‌های مؤثر در بر بین‌المللی شدن دیپلماسی میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی (50)	توسعه کیفی رقابت‌پذیری و اعتبار دانشگاهی (15)	امکان رقابت‌پذیری دانشگاه‌های خصوصی با دانشگاه‌های دولتی؛ مشتری محوری و سیستم مدیریت کیفیت فراگیر؛ امکان رقابت بیشتر با ارائه امکانات و تسهیلات رفاهی و پیشنهادهای تشویقی بیشتر؛ کیفیت آموزش و قابلیت رقابت‌پذیری و اعتبار مدرک؛ امکان رقابت بیشتر با اعتبار مدارک دانشگاهی داخل کشور؛ رقابت‌پذیری کیفی کالای آموزش برای بین‌المللی کردن آموزش عالی؛ ارتقای کیفیت آموزش عالی برای امکان بین‌المللی شدن؛ رقابت‌پذیری منطقه‌ای و ملی دانشگاه‌های کشور با دانشگاه‌های خارجی؛ گسترش کمی دانشگاه‌ها و تحصیلات تکمیلی بدون توجه به کیفیت؛ نیاز به تغییرات و اصلاحات ساختاری کمی و کیفی در نظام آموزشی؛ رقابت‌پذیری و انتخاب سطح کیفی بالاتر از طریق تأسیس دانشگاه‌هایی چندملیتی و شعب دانشگاه‌های مادر؛ رقابت‌پذیری دانش بین‌رشته‌ای با تأسیس شعبه‌های دانشگاه‌های بین‌المللی رقیب؛ بین‌المللی کردن دانشگاه‌ها به شکل نمایندگی با کسب مجوز تحت لیسانس یک دانشگاه معتبر؛ امکان رقابت آموزش عالی ایران به‌عنوان قطب علمی منطقه‌ای؛ استفاده از مزیت‌های نسبی و رقابتی رشته‌های دانشگاهی در منطقه؛
	رویکرد تولید علم و پژوهش دانشگاهی (22)	ماهیت تولید دانش متفاوت در رشته‌های دانشگاهی؛ کاربرد نهضت ترجمه با توجه به اهمیت تولید دانش ایران؛ اهمیت ترجمه با توجه به فاصله دانش با کشورهای توسعه‌یافته؛ ضعف شدید کیفیت و میزان تولید دانش تربیتی داخل کشور؛ کمبود دسترسی به داده‌ها، مواد آزمایشگاهی و مجلات و مقالات و کتب علمی؛ جهت‌گیری آموزش و تولید علم در آموزش عالی؛ کمبود حجم تحقیقات تطبیقی برای بین‌المللی سازی؛ بازاریابی نظریه به‌جای تولید نظریه و فناوری در آموزش عالی؛ سهم ناچیز نظریات داخلی در تولید دانش تربیتی؛ نگرش معیوب دانشگاه ایرانی به تولید علم دانشگاهی؛ عدم انطباق با معیارها و استانداردهای جهانی؛ ضعف برنامه‌ریزی و بسترسازی برای بین‌المللی شدن؛ سهم کم دانشگاهیان در پویایی و تولید دانش کاربردی و میان‌رشته‌ای؛ نداشتن برنامه دانشگاهی برای پژوهش اعضای هیئت‌علمی در حال حاضر؛ تغییر مسیر انجام تحقیقات دانشگاهی باهدف گرفتن امتیازات پژوهشی و ارتقاء؛ مشکل اساسی پژوهش دانشگاه‌های پایان‌نامه‌فروشی و مقالات به‌دوراز اصول اخلاقی؛ ضرورت توجه وزارت علوم به بسترهای ارتباطی برای انتشار مقالات با توجه به ماهیت رشته‌ها؛ بازنگری سیاست‌های آموزشی وزارت علوم در راستای ارتباطات پژوهشی مشترک؛ تعریف زمان مشخص طراحی و اجرا پروژه‌های تحقیقاتی توسط وزارت علوم؛ معضل به‌کارگیری افراد رشته‌های فنی و کشاورزی در سمت‌های مدیریتی و اجرایی دانشگاه‌ها؛ باور به دانشگاه اقتصادمحور و دانش‌بنیان و تجاری‌سازی علوم دانشگاهی؛ تدوین سازوکارهایی در سطح وزارت برای اصلاح و حذف شکاف و امتیازات نادرست بین اساتید و دانشجویان؛
	نیازهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها (13)	توسعه و دانش با اهداف علمی و فرهنگی در تأسیس شعبه‌های دانشگاهی در ممالک دیگر؛ توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در بین‌المللی شدن بین‌رشته‌ای علوم انسانی و تربیتی؛ ایجاد و تقویت روابط فرهنگی در سطح کلان با دانش تربیتی؛ کاربرد دانش تربیتی در تربیت انسان‌های با فرهنگ علمی و پرورش تفکر انتقادی؛ تطبیق فرهنگ ملی و ارزش‌های بومی متناسب با این شرایط فرهنگی آموزش‌های دانشگاهی؛ فرهنگ‌سازی کار گروهی با توسعه دانش تربیتی؛ ضرورت آموزش دانش چندفرهنگی در دانشگاه‌ها؛ نیاز به تقویت کثرت‌گرایی فرهنگی در عمل برای سیاست‌گذاران و هیئت‌علمی؛ ظرفیت و امکان نظری علوم تربیتی برای تقویت کثرت‌گرایی؛ بومی‌سازی و ایجاد تعادل مناسب بین استانداردهای جهانی و محلی؛ تفاوت زمینه‌های فرهنگی و ارزشی و تعامل بین کشورها؛ آموزش چندفرهنگی و بردباری فرهنگی و ارائه چشم‌اندازهای نوین؛ به رسمیت شناختن فرهنگ‌ها و پرهیز از آموزش تنگ‌نظرانه و تک‌بعدی؛

در تحلیل یافته‌های کیفی مصاحبه‌ها، بخشی از کدهای محوری از جمله توسعه دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای؛ مبادلات علمی انفرادی و دانشگاهی؛ و مطالعات آموزشی تطبیقی با سایر کشورها ناظر به راهبردهای دیپلماسی میان‌رشته‌ای دانشگاهی در بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی است. در ادامه نقل‌قول‌های برگرفته از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها گزارش شده است:

الف) توسعه دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای؛

مشارکت‌کنندگان چنین دیدگاهی را درباره مضمون تأکید بر توسعه دیپلماسی میان‌رشته‌ای علوم دانشگاهی ارائه می‌کند:

♦ دیپلماسی دانش پداگوژیک می‌تواند با تبادل دانشجو استاد، زبان و ابزار و گفتمان مشترکی باشد که با تسلط در این حوزه به تحقق تبادل استاد و در مقیاس عملی‌تر دانشجو کمک می‌کند که دانشجویان آن‌ها بیایند از فرصت‌های ما استفاده کنند که استاد ما در دانش پداگوژیک در حد آن‌ها هستند و فقط زمینه متفاوت است. دانشجویهای ما هم که از اساتید خود گرفته‌اند می‌روند با اساتید دیگری منتها در بافت یا زمینه متفاوتی که دارند و ما نداریم. پس اول دانش پداگوژیک در تبادل استاد و دانشجو که وجهی از بین‌المللی‌سازی آموزش عالی است، می‌تواند به بهترین شکل ممکن تسهیلگر باشند (استاد برنامه‌ریزی آموزشی).

♦ حلقه ارتباطی دانش بین‌رشته‌ای از جمله دانش تربیتی در تمامی رشته‌ها باید تا حد زیادی برجسته شود که متخصصین سایر علوم و دانش‌های مختلف از گروه تعلیم و تربیت یا علوم تربیتی دانشگاه بهره بگیرند تا پیوند بین رشته‌های دانشگاهی برقرار شود. این در حالی است که علوم دانشگاهی از جمله دانش تربیتی از بقیه رشته‌ها مجزا هستند و لینیکی بین رشته علوم تربیتی و رشته‌های مثلاً کشاورزی وجود ندارد یا ضعیف است. این موارد باید از طریق سازوکارها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها به نحوی تدوین شود که دانش بین‌رشته‌ای از جمله دانش تربیتی، یافته‌های علمی خود را در گروه‌های دیگر و دانشگاه‌های داخل و خارج کشور انتقال دهد تا به ارتقای سطح کیفی در دانشگاه کمک کند (استاد یار مدیریت آموزشی).

♦ دانش تربیتی خیلی در کشور ما به لحاظ فنی قوی نیست و حرفی برای گفتن ندارد ولی دیسپلین علوم پزشکی و شیمی، ما در کشور ما قوی است. در حال حاضر ما در دانش تربیتی خودمان از دانسته‌ها دیگران استفاده می‌کنیم و جایگاه معرفتی برای دانش تربیتی ما هنوز بر اساس ماهیتش در آموزش عالی شناخته‌شده نیست. لذا به لحاظ ضعف افرادی که درگیر مجموعه دانش‌های تربیتی هستند، جایگاه دانش تربیتی خیلی قوی نیست، مگر اینکه اولاً کار را به کاردان و متخصص رشته بسپارند و دوماً مجموعه علوم تربیتی خودش را تقویت کند و فاصله با دانش تربیتی روز دنیا کاهش یابد هم به لحاظ محتوا هم به لحاظ متدولوژی. کیفیت و میزان تولید علم در دانش تربیتی بسیار ضعیف است (دانشیار برنامه‌ریزی آموزشی).

♦ من اعتقاد دارم رشته علوم تربیتی و متخصصان دانش تربیتی می‌توانند در بین‌المللی‌کردن سیستم دانشگاهی تأثیرگذار باشند. هر گرایشی در این دانش میان‌رشته‌ای می‌تواند، ایده و راهکار خاصی برای بین‌المللی کردن دانشگاه فراهم سازد. مثلاً فناوری آموزشی می‌تواند راهکارهای ارتباط مؤثر را برای آموزش الکترونیک و تدریس آنلاین که بسترهای ارتباطی و فناوری آموزشی برای بین‌المللی کردن لازم است. مطالعات برنامه‌ریزی درسی می‌تواند در تدوین محتوای کتاب‌های دانشگاهی که در دانشگاه‌های خارجی تدریس می‌شود مؤثر باشد چون ما نمی‌توانیم کتاب‌هایی که در دانشگاه‌های داخلی را برای آموزش بین‌المللی به کار ببریم. فیلسوفان آموزشی می‌توانند فلسفه و مبانی، مزایا و ارزش‌های بین‌المللی کردن را روشن کنند. برنامه‌ریزان آموزشی می‌توانند بسترهای مادی و اقتصاد آموزش را استخراج کنند. مدیران آموزش عالی می‌توانند مدیریت نوین را در فضای بین‌المللی توجیه کنند و چشم‌انداز مدیریت آموزشی باید تغییر کنند (دانشیار برنامه‌ریزی درسی).

ب) مبادلات علمی انفرادی و دانشگاهی

ارتباطات و تعاملات افراد دانشگاهی از جمله دیگر مواردی است که توسط مصاحبه‌شوندگان چنین تشریح می‌شود:

ساده‌ترین شکل و نمود بیرونی بین‌المللی‌شدن، تبادل استاد و دانشجو است. خب شما یک استاد یا دانشجو را برای فرصت مطالعاتی به یک مرکز دانشگاهی می‌فرستید که تفاهم‌نامه مشرک دارید که آن‌ها هم برای شما می‌فرستند. دانش بین‌رشته‌ای دانشگاهی به صورت پداگوژیک بستر، زبان و ابزار ارتباطی مشترکی را اختیار می‌کند، اگر از حیث دانش پداگوژیک و از حیث زمینه‌ها و نوآوری‌های این حوزه اطلاعات چندانی نداشته باشد، نمی‌تواند تعاملات یا بده بستان خوبی داشته باشد و انگیزه‌ای هم برای دانشگاه مقابل نیست که استاد یا دانشجو ما را بپذیرد یکی دیگر از شاخص‌های بین‌المللی‌سازی مراکز دانشگاهی پذیرش دانشجوی خارجی است که در رتبه‌بندی نظام‌های دانشگاهی، درصد دانشجویان خارجی و بومی شاغل به تدریس در آن دانشگاه‌ها است. در بیشتر دانشگاه‌ها در حدود 40 تا 50 و حتی در مواردی بیشتر از ترکیب جمعیت دانشجویی دانشگاه‌های ممتاز، دانشجویان خارجی هستند اما تقریباً این میزان در نظام آموزش عالی کشور ما به 20 هزار نفر، نمی‌رسد که آن‌هم از یک جغرافیای خاص و گاهی با اهداف ایدئولوژیک خاص است (استاد برنامه‌ریزی آموزشی).

اگر مسائل امنیتی نسبت به پذیرش دانشجویان خارجی اصلاح شود و یا تجربه‌ای که ما در کشورهای خارجی داشتیم، بورسیه‌های بین دولتهاست که معمولاً کشورها برای بین‌المللی کردن مشوق‌هایی را ارائه می‌دهند به‌خصوص در دوره‌های دکتری و فوق‌لیسانس پول مختصری به‌عنوان بورسیه بابت تشویق، همراه با خوابگاه و غذای رایگان می‌دهند. مثلاً در هند انصافاً غذا رایگان بود و سیلی از دانشجویان عرب، ایرانی و مالزیایی در هند جذب می‌شدند. ما هم اگر در پذیرش دانشجویان مانند هند در کوتاه‌مدت شهریه نگیریم در آینده این‌ها سفیرهای ما خواهند بود و برای آموزش ما تبلیغ خواهند کرد دست‌کم سیاست‌هایی از قبیل بورسیه دانشجویان داخل و خارج از کشور و نیز فراهم ساختن فرصت‌های مطالعاتی برای مدرسان می‌تواند به توسعه روابط دانشگاهی بین کشورهای جهان کمک کند. ارتباطات نباید فقط در حد تبادل دانش و مقالات علمی باشد و بهتر است برای توسعه ارتباطات علمی با کشورهای جهان از آموزش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کرد و از این طریق امکان سرویس‌دهی به دانشجویان را در داخل و خارج مرزها امکان‌پذیر کرد (دانشیار مدیریت آموزشی).

ب) مطالعات آموزشی تطبیقی با سایر کشورها

انجام مطالعات آموزشی تطبیقی با سایر کشورها یکی از مضامینی است که توسط مشارکت‌کنندگان چنین بازگو می‌شود:

حجم تحقیقات در زمینه بین‌المللی کردن دانش تربیتی یا مطالعات برنامه درسی زیاد نیست. پس هم در بینش بین‌المللی کردن و هم در پژوهش مشکلاتی وجود دارند. در بعد عملی هم تجربه دانشگاه‌های پایتخت با مرکزیت تهران، بهشتی و غیره در مقایسه با دانشجویان ایرانی در خارج از کشور نسبت‌های کمی دارند. در اینجا لازم است به‌ضرورت انجام مطالعات بین‌المللی بین کشورهای مختلف منطقه و جهان، به‌ویژه تجربیات نظام‌های آموزشی موفق و دانشگاه‌های معتبر که توانسته‌اند آموزش عالی را بین‌المللی کنند، توجه داشته باشیم. بحث بین‌المللی کردن آموزش عالی نیازمند جمع‌آوری اطلاعات دقیق و تحقیقات تطبیقی است تا بر اساس آن راهکارها و راهبردهای مناسبی را ارائه کرد. در ایران تحقیقات تطبیقی به‌منظور بین‌المللی کردن آموزش عالی نیازمند چندین مرحله آزمایشی است تا برای اجرای آموزش‌های بین‌المللی مشکل نداشته باشیم (دانشیار برنامه‌ریزی درسی).

✚ دانش تربیتی ایران به لحاظ پایه نظری شاید بیشتر بتواند به کشورهای همسایه که به لحاظ فرهنگی نزدیک است تطبیق یابد چون در مقایسه با پایه نظری دانش تربیتی و تولید دانش کشورهای توسعه‌یافته فاصله زیاد است و آن‌ها به لحاظ تاریخی سابقه سرمایه‌گذاری بیشتری دارند اما دانش در آموزش عالی ما کمتر از یک قرن توسعه پیدا کرده و بیشتر جنبه تقلیدی دارد و دانش خودبنیادی نداریم اما نهضت ترجمه می‌تواند در این زمینه مفید باشد. اما ایران در ارتباط با کشورهای همسایه و خاورمیانه می‌تواند رهبری تأثیرگذار در بین‌المللی کردن آموزش عالی باشند و با کشورهای اسلامی و هم فرهنگ، سمینارها، گردهمایی‌ها و بحث‌های اصلی تربیتی برای حل مسائل جامعه داشته باشند (استادیار آموزش عالی).

✚ از طریق آموزش و پرورش تطبیقی می‌توانیم واحدهای بیشتری را پوشش دهیم که هم در سطح دکتری هم برنامه‌های درسی در سطح منطقه‌ای و توسعه‌ای در آن منظور شود و هم برنامه‌ها در سطح توسعه‌ای و کلان نیازهای دانشگاهیان را پوشش دهد (استادیار فلسفه آموزشی).

جدول 5: راهبردهای دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی

کد انتخابی	کد محور	کد باز
راهبردهای مؤثر در بین‌المللی شدن دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی (69)	مبادلات علمی انفرادی و دانشگاهی (20)	مشوق‌های دولتی برای جذب و تبادل دانشجو؛ ارائه بورسیه‌های تحصیلی، تسهیلات خوابگاهی و رفاهی و شهریه رایگان یا کمتر؛ تقویت سیاست‌های بورسیه تحصیلی و فرصت‌های مطالعاتی برای دانشجویان و اساتید داخل و خارج؛ تصمیم‌گیری برای مبادله و انتقال دانشجو در سطح وزارت؛ عدم بازگشت و تغییر رشته در دانشجویان اعزامی به خارج؛ توسعه شرکت در کنفرانس‌ها از طریق پذیرش و تبادل استاد - دانشجو؛ نیاز به کسب تجربه بیشتر از دانشگاه‌های پایتخت در پذیرش دانشجوی خارجی؛ ایجاد انگیزه در دانشجویان و اساتید با کاربرد کارهای گروهی در دانشگاه‌ها؛ تبادل دانش و هم‌اندیشی یا نشست علمی با استادان خارج از کشور در کنار ارتباطات مجازی؛ تولید علم دانشگاهی و مشارکت تحقیقاتی، توانمندسازی دانشگاه‌ها با تأکید بر اعضای هیئت‌علمی؛ نقشی کلیدی و سازنده مدرسان و اساتید دانشگاهی در سطوح خرد بین‌المللی شدن آموزش عالی؛ تبدیل مراکز دانشگاهی به سازمان یادگیرنده با تسهیلگری آموزش و تعمیق روابط بین‌المللی؛ آشنایی و التزام به رعایت موازین علمی آموزش و دانش تربیتی؛ توسعه فکری دانشجویان و اساتید متناسب با شرایط متغیر جهانی با کمک دانش تربیتی؛ تربیت نیروی انسانی موردنیاز جامعه به‌عنوان فعالیت اصلی مراکز دانشگاهی؛ در تکرارگری در فرایند جذب و پذیرش و استخدام هیئت‌علمی؛ بین‌المللی شدن از طریق تبادل استاد و دانشجو و فرصت مطالعاتی و تفاهم‌نامه مشترک مراکز دانشگاهی؛ مراودات علمی اساتید و تبادل دانشجویان بین کشورها؛ در دسترسی به یک بازار رقابتی علمی در عرصه بین‌المللی؛ بین‌المللی شدن دانشگاه با جذب بهترین دانشجویان و استخدام بهترین اساتید؛
	مطالعات آموزشی تطبیقی با سایر کشورها (10)	شناسایی نیازهای دانشگاهیان از طریق مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی؛ آموزش و دانش تربیتی در سطح فراسوی کلان نیازمند تبادل علمی و الگوهای موفق؛ مطالعات تطبیقی برای شناسایی جایگاه کشور در سطح علمی بین کشورها؛ نیاز به مطالعات تطبیقی و شناسایی روش‌های نوین آموزشی؛ رشد و ارائه نظریه‌های علمی در کشورهای توسعه‌یافته؛ استفاده از تجارب افراد تحصیل کرده در خارج کشور؛ جایگاه دانش تربیتی در بین‌المللی سازی و

		<p>در مطالعات تطبیقی نظام‌های آموزشی؛ نیاز به دیدگاه مدیران نسبت به فلسفه علم در دانشگاه‌های داخل و خارج؛ ضرورت مقایسه برنامه درسی، تجهیزات و امکانات در مؤسسات آموزشی و پژوهشی؛ شناسایی روش‌های جدید آموزش و فناوری‌ها در سایر کشورها از طریق برنامه‌های آموزشی؛</p>
	<p>توسعه دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای (39)</p>	<p>بین‌رشته‌ای بودن دانش در حوزه مطالعات آموزشی؛ نقش مفید مطالعات آموزشی در بومی کردن دانش میان‌رشته‌ای؛ پوشش دانش تربیتی در سطح فراسوی کلان با آموزش مجازی در سطح جهانی؛ چندبعدی و چندجانبه بودن پدیده‌های مورد مطالعه در مطالعات آموزشی؛ رقابت‌پذیری مثبت بین دانشگاه‌ها با کمک دانش تربیتی و میان‌رشته‌ای؛ تبعیت دیپلماسی میان‌رشته‌ای و تربیتی هم از استانداردهای واحدی در سطح جهانی؛ وابستگی تعامل و انگیزه دانشگاه پذیرنده فرصت مطالعاتی به دانش پداگوژیک، زمینه‌ها و نوآوری استاد - دانشجو؛ دیپلماسی دانش پداگوژیک با تبادل دانشجو استاد، زبان و ابزار و گفتمان مشترک؛ رایزنی برای ایجاد سیستم‌های آموزشی مشترک با همکاری کشورهای توسعه‌یافته؛ تسلط بر دیپلماسی دانش پداگوژیک برای تحقق عملیاتی تبادل استاد و دانشجو با زمینه‌های متفاوت؛ نقش تسهیلگر دانش پداگوژیک در تبادل استاد و دانشجو به‌عنوان وجهی از بین‌المللی‌سازی آموزش عالی؛ زبان مشترک برای برخورداری طرف‌های درگیر در سیاست‌گذاری علم و فناوری بدر بستر دانش پداگوژیک؛ جهان‌شمول نبودن دانش پداگوژیک، ابزار، زبان و استاندارد آموزش دانشگاه داخلی در سطح دانشگاه‌های برتر؛ توسعه علوم دانشگاهی (علوم انسانی و اجتماعی یا تربیتی) در راستای بین‌المللی‌کردن آموزش عالی؛ سازوکارهای تسهیل و تسریع فرایند یاددهی یادگیری در دانش میان‌رشته‌ای در علوم انسانی و دانش تربیتی؛ برجسته‌کردن حلقه ارتباطی دانش بین‌رشته‌ای دانش تربیتی در تمامی رشته‌ها؛ پیوند بین رشته‌های دانشگاهی متخصصین سایر علوم با دیپلماسی دانش در مطالعات آموزشی؛ توجه به نوآوری‌های علمی و آموزشی با ابزار پداگوژیک به مدل‌ها و شیوه‌های تربیتی؛ تسلط و سیطره عالمانه اساتید دانشگاهی به دانش پداگوژیک برای رقابت افراد و مؤسسات دانشگاهی؛ دانش قوی پداگوژیک و مهارت کافی جامعه اساتید و دانشجویان برای رقابت بین‌المللی در اقتصاد دانش‌بنیان؛ دانش بین‌رشته‌ای پداگوژیک ابزار تحکیم پیوند بین‌المللی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، اساتید و دانشجویان؛ توجه به چندبعدی بودن افراد در آموزش دانشگاهی مبتنی بر دانش بین‌رشته‌ای؛ ضرورت توجه به جامعیت دانش میان‌رشته‌ای، چندرشته‌ای، و فرارشته‌ای در دانشگاه‌ها؛ حل مسائل در سطح کشور با دانش بین‌رشته‌ای حاصل از تجارب صاحب‌نظران رشته‌های دانشگاهی؛ ضرورت آشنایی به پایه علمی و تخصص لازم به اصول آموزشی و روان‌شناختی و مدیریتی؛ نقش سازنده فارغ‌التحصیلان در تعاملات جهانی علم در نظام آموزشی با دانش بین‌رشته‌ای؛ ضرورت اولویت نظام آموزشی به اساتید و دانشجویان رشته‌های مدیریت آموزشی و آموزش عالی؛ تأمین نیازهای علم و فناوری در سطوح ملی و بین‌المللی توسط متخصصان علوم میان‌رشته‌ای مانند دانش تربیتی؛ توانمندسازی اعضای هیئت‌علمی جهت تعامل و مراودات به سطح همپای دانشگاه‌های معتبر اروپایی و آمریکایی؛ تربیت اساتید و دانشجویان با جدیدترین و کارآمدترین الگوهای دانشگاهی با دانش پداگوژیک؛ نقش میانجی دانش تربیتی برای بین‌المللی کردن سایر رشته‌ها؛ استفاده از برنامه درسی، دوره‌ها و سرفصل‌های دانشگاه‌های برتر دنیا؛ نقش گرایش‌های مطالعات آموزشی در ارائه راهکار مناسب؛ نیاز به تأمین پایگاه مناسب برای استانداردهای و اعتبار سنجی ارزشیابی آموزشی؛ کمک دانش تربیتی به ایجاد برنامه‌های درسی</p>

		<p>کاربرد مشترک علوم دانشگاهی؛ تدوین سرفصل‌های بین‌المللی برای رشته‌های مختلف علمی؛ ارائه راهنمای کاربردی برنامه‌های درسی توسط متخصصان علوم تربیتی؛ نیازسنجی از متخصصان علوم دانشگاهی و سازگاری با الگوهای تربیتی اثربخش در آموزش عالی؛ تبادل دانش و تولید دانش رشته‌ای و میان‌رشته‌ای با انتشار مقالات اصیل علمی؛</p>
--	--	--

5) پیامدهای دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی شدن کدامند؟ در تحلیل یافته‌های کیفی مصاحبه‌ها، بخشی از کدهای محوری از جمله دستیابی به مرجعیت علم دانشگاهی؛ بازسازی دانش محتوای میان‌رشته‌ای؛ و بازسازی دانش محتوای میان‌رشته‌ای ناظر به پیامدهای دیپلماسی میان‌رشته‌ای دانشگاهی در بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی است. در ادامه نقل‌قول‌های مستقیم از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها گزارش شده است:

الف) دستیابی به مرجعیت علم دانشگاهی

برای کسب اعتبار و مرجعیت علمی لازم در مجامع دانشگاهی در سطوح ملی و بین‌المللی مشارکت کنندگان، چنین اظهار کرده‌اند:

در حوزه دانش پداگوژیک که از پایه مشترکی نداشته باشیم، مفاهیم مشترکی را نخواهیم داشت که روی آن تحقیق کنیم. بنابراین بازمه اشتراک معانی و تجربه و برخورداری از استانداردهای واحد دانشگاهی چه محتوا و چه فناوری و چه دانش باشد کمک می‌کند زمینه‌ها و سوژه‌هایی در همکاری‌های عملی‌تر در قالب تعامل مشترک در پروژه‌های تحقیقاتی داشته باشیم. اگر چنین اتفاقی افتاد ما دانش واحدی را کسب کرده‌ایم که خروجی این دانش به شکل پروژه‌های مشترک در قالب کتاب یا مقاله مشترک چاپ یا منتشر کنیم. بنابراین چنین کاری می‌تواند فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها را مجسم کند یا گسترش دهد. (استاد برنامه‌ریزی آموزشی).

اکثر اساتید در زمینه دانش تربیتی، در کشورهای توسعه‌یافته رشد کرده‌اند، نظرات علمی‌شان قاعدتاً در سطح بین‌المللی مطرح‌شده و ما می‌توانیم به‌طور گسترده از آن استفاده کنیم. برای اینکه چشم‌انداز وسیع‌تری به دانش داشته باشیم و مرزهای سیاسی و جغرافیایی را نادیده بگیریم نیاز داریم تا به علم و دانش بشری چشم‌انداز وسیع‌تری داشته باشیم. در درجه اول نیاز به گسترش دید از سوی اساتید این رشته و صاحب‌نظرانی است که در این زمینه‌ها مطالعه می‌کنند. در این راستا هم باید هم سطح کلان و هم سطح فراسوی کلان و هم سطوح خرد را در نظر بگیریم. امروز در سطح آموزش عالی بین‌المللی امروزه بیشتر به پژوهش‌هایی توجه می‌شود که در آن تعداد پژوهشگران زیاد باشند و به‌صورت گروهی انجام‌شده باشند و کمتر به مقالات و پژوهش‌های انفرادی توجه می‌شود. باید بستری فراهم شود که اساتید در دانشگاه‌های مختلف دولتی و آزاد تحقیقات بیشتری باهم داشته باشند و ضریب همکاری خود در سطح آموزش عالی را بالا ببرند (استاد یار فلسفه آموزشی).

ب) بازسازی دانش محتوای میان‌رشته‌ای

مشارکت‌کنندگان درباره بازسازی دانش محتوای میان‌رشته‌ای و رفع کاستی‌های برنامه درسی و آموزشی، چنین دیدگاهی دارند:

آموزش دانشگاهی یک انسان، نمی‌توان صرفاً انتزاعی باشد. از آنجاکه آزمودنی تربیت چند بعد است، پس دانش آن هم چندرشته‌ای است. ما سه نوع دانش داریم که شامل اینتر دیسیپلیناری، مولتی دیسیپلیناری و ترانس دیسیپلیناری (میان‌رشته‌ای، چندرشته‌ای، و فرارشته‌ای) است. برخی از اساتید دانشگاهی در دانش تخصصی خود مهارت و توانمندی دارند ولی دریغ از بقیه ابعاد حیات آدمی. امام نظام آموزشی تک‌بعدی کارآمد نیست و توجه به رویکردهای میان‌رشته‌ای، چندرشته‌ای و فرارشته‌ای کمک می‌کند به جامعیت خروجی این فعالیت. اساتید موفق در نظام‌های آموزشی، دانشجویان را به‌صورت یک شاکله چندوجهی می‌بینند (استاد برنامه‌ریزی آموزشی).

به نظرم برای بین‌المللی کردن ساختار دانش و دانشگاه‌ها در ایران، موانع بسیار زیاد است که کار زیاد می‌طلبد. ساختارها و فلسفه آموزش عالی باید عوض شوند. باور به اینکه دانشگاه‌ها باید به سمت دانشگاه اقتصاد بنیان حرکت کنند باید ایجاد شود. در دانشگاه‌های ایران به‌خوبی بینش‌های لازم پخته نشده و به آن نپرداخته‌اند. شاید در بیست سی سال آینده بتوانیم به معنای اصیل و دقیقیت بین‌المللی کردن دانشگاه‌ها برسیم تا درصد زیادی از دانشجویان خارجی باشند و باوجود مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، رقابت‌پذیری افزایش یابد (دانشیار برنامه‌ریزی درسی).

پ) آشنایی با تجربیات روابط منطقه‌ای و بین‌المللی

آشنایی با تجربیات و روابط منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله مواردی است که مصاحبه‌شوندگان آن را به شرح زیر بیان کرده‌اند:

دانش تربیتی بخشی از دانش را در سطح فراسوی کلان پوشش می‌دهد و بدون محدودیت مرزهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به مسئله فکر می‌کند، در نتیجه کمک می‌کند تا بفهمیم این نوع از آموزش در کشور ما کاربرد دارد یا ندارد. پس لازمه کاربرد علوم تربیتی این است که به آموزش جهانی توجه کنیم و در سطح محتوای درسی پوشش دهیم. چون که عنصر اصلی در آموزش، محتواست و دانش تربیتی کمک می‌کند تا محتوا از حالت عقیم و منفعل به‌صورت پویا درآید (استادیار فلسفه آموزشی).

در این مسیر ما باید از تجربیات کشورهای دیگر در راستای بین‌المللی شدن آموزش عالی استفاده کنیم تا وزارت علوم تا دانشگاه سازوکاری تعیین شود که پروژه‌های تحقیقاتی برای زمان مشخص طراحی و اجرا شود و نتایجش در اختیار بازار کار یا سازمان‌های ذینفع قرار گیرد تا هم اساتید و دانشجویان تقویت شوند و هم نیازهای سازمانی و تحقیقاتی به‌صورت کاربردی برآورده شود (استادیار مدیریت آموزشی).

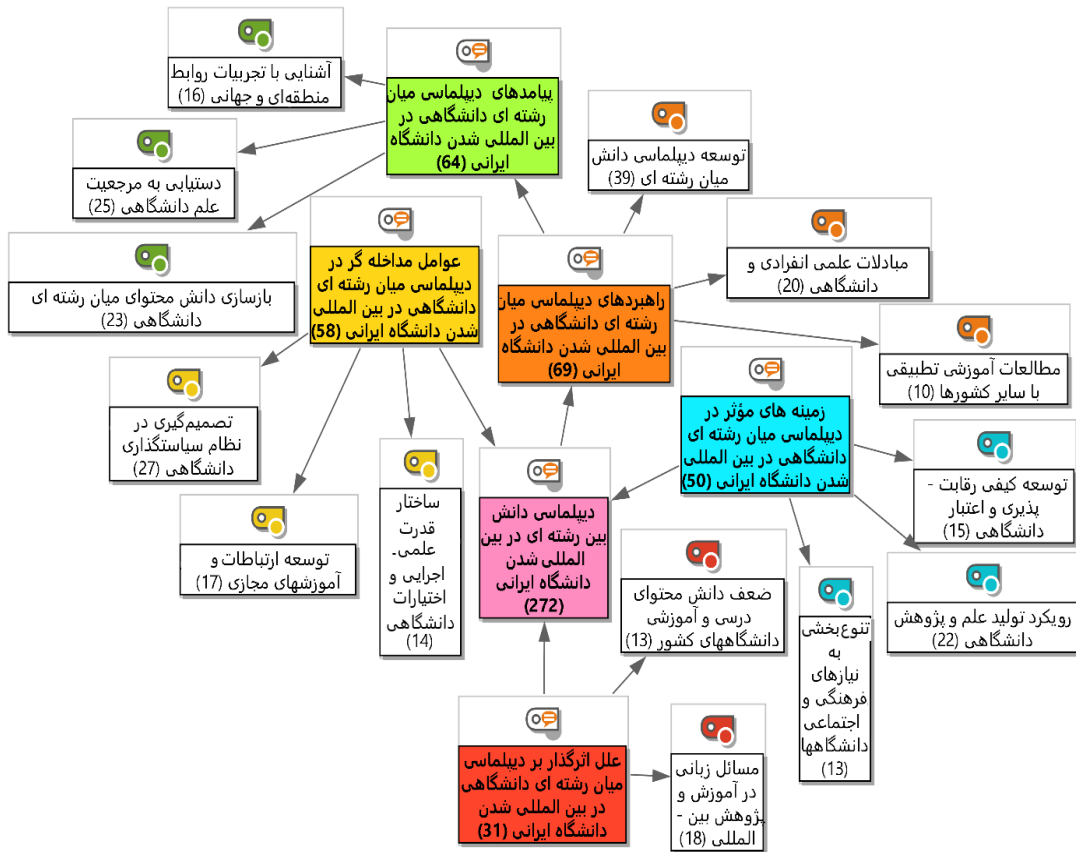
اگر با توجه به‌ضرورت فکر کنیم با توجه به تحولاتی که هست، دانش در زمینه آموزش عالی و تولید دانش به سمت اقتصاد دانش مطرح است، ولی ما بحث بین‌المللی شدن در نگاه اول ارتباط بین دانش تربیتی با کشورهای دیگر در زمینه مسائل مشترک، همفکری و راهکارها برای رفع چالش‌های آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد... ما کشورهای داریم که علاوه بر داده‌های ملی، داده‌های در سطح بین‌المللی را جمع‌آوری و مقایسه کنند. از جمله مواردی که در ارتباط با دانش تربیتی می‌تواند بین‌المللی شود، فرض کنید یک واحد درسی در ایران و خارج کشور، چه سرفصل‌هایی در گرایش‌های مختلف علوم تربیتی وجود دارند تا استانداردهای سازی صورت گیرد تا متولیان بتوانند نگاه بین‌المللی را با توجه به توسعه‌شتابان آموزش بین‌المللی با فرهنگ بومی و محلی تطبیق دهند تا هم استاندارد بین‌المللی را لحاظ کنند و تعادلی خاص بین آن‌ها و استانداردهای جامعه ملی و محلی ایجاد کنند (استادیار آموزش عالی)

جدول 6: پیامدهای دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی

کد انتخابی	کد محور	کد باز
پیامدهای مورد انتظار در بین‌المللی شدن دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی (64)	آشنایی با تجربیات روابط منطقه‌ای و بین‌المللی (16)	آشنایی دانشجویان با تفکرات سایر کشورها و دیدگاه چندبعدی به قضایا در نظام آموزش عالی بین‌المللی؛ برخورداری اساتید و دانشجویان از دانش و اطلاعات کافی جهان بین-المللی علم و دانشگاه؛ ظرفیت رهبری و تأثیرگذاری ایران در سیاست‌گذاری دانش تربیتی با کشورهای اسلامی و منطقه‌ای؛ نیاز به حل عمده مشکلات اقتصادی از طریق دانش بین‌رشته‌ای در مطالعات آموزشی؛ نیاز به بینش دور و استراتژی برای استفاده از این فرصت‌های تجربی و مطالعاتی؛ امکان ارتباط با کشورهای منطقه‌ای و اسلامی در بین‌المللی کردن آموزش عالی؛ آشنایی نسبی کشورهای همسایه با زبان فارسی و جذب مشتری آموزشی؛ امکان بحث و تبادل نظر بین برنامه‌ریزان در سطح منطقه‌ای و کشورهای هم‌جوار اسلامی؛ تحکیم روابط منطقه‌ای با تأکید بر منافع مشترک اقتصادی آموزش؛ تفکر بدون محدودیت مرزهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛ اجتناب‌ناپذیری گرایش جامعه بشری میل به یک جامعه بدون مرز؛ توسعه دانش بدون توجه به مرزهای جغرافیایی و سیاسی؛ چشم‌انداز وسیع‌تر اساتید به دانش میان‌رشته‌ای در سطح بین‌المللی؛ گسترش دید در سطح کلان و فراسوی کلان؛ استفاده از تجربیات کشورهای دیگر در راستای بین‌المللی شدن آموزش عالی؛ گستردگی نظام آموزش عالی کشور و تخصص علمی برای جهانی شدن علم،
	دستیابی به مرجعیت علم دانشگاهی (25)	بین‌المللی شدن دانشگاه با کسب دانش واحد با خروجی پروژه‌های مشترک در قالب انتشار کتاب یا مقاله مشترک؛ انتشار یافته‌های علمی دانش‌های بین‌رشته‌ای از جمله دانش تربیتی برای سایر گروه‌های آموزشی و دانشگاه‌ها؛ پیدا کردن علایق مشترک و ظرفیت‌هایی در جامعه یا موسسه آموزش عالی هدف به‌عنوان نمود بین‌المللی کردن؛ داشتن زمینه‌ها و سوژه‌هایی در همکاری‌های عملی‌تر در قالب تعامل مشترک در پروژه‌های تحقیقاتی؛ ایجاد شبکه‌ای از ارتباطات برای تبدیل یک دانشگاه منفعل به عضوی فعال از یک تیم گسترده‌تر؛ اجرای پروژه‌های تحقیقاتی مشترک در زمینه‌های دانش‌پژوهی با پایه و مفاهیم مشترک؛ اتصال مراکز دانشگاهی با سمینارهای مشترک یا کارگاه‌های آموزشی و فعالیت مشترک؛ آگاهی از موضوعات در سطوح ملی و جهانی از طریق تحقیقات بین‌المللی؛ افزایش ضریب همکاری در سطح ملی و بین‌المللی آموزش عالی؛ تقویت پژوهش‌های مشترک گروهی با تعداد پژوهشگران زیاد؛ ارتقاء ضریب همکاری آموزش عالی در سطوح دانشگاه‌های منطقه‌ای؛ ارتباطات علمی و مشارکت پژوهشگران خارج از کشور در هیئت تحریریه مجلات علمی پژوهشی؛ فراهم کردن زمینه همکاری و تعامل افراد در سطح بین‌المللی؛ جامع بودن تحقیقات دانش بین‌رشته‌ای پیرامون مسائل از دیدگاه جامع همکاران علمی؛ کیفیت‌بخشی به تحقیقات به‌جای کمی-نگری در انتشار مقالات؛ آشنایی با مسائل جدید و دانش بنیادی و کاربردی در ارتباط انجمن‌های علمی در سطح جهانی؛ نیاز به همکاری و ارتباطات بین‌رشته‌ای و تخصص افراد برای کاربردپذیری رشته‌ها؛ ایجاد ضریب همکاری بین اساتید و پژوهشگران در رشته‌های مختلف دانشگاهی؛ جامعیت‌بخشی به آموزش و پژوهش دانشگاهی در راستای تأمین نیازهای منطقه‌ای - ملی و بین‌المللی - جهانی؛ تعیین سازوکار انتشار نتایج تحقیقات دانشگاهی در اختیار بازار کار یا سازمان‌های ذینفع؛ تقویت اساتید و دانشجویان با تأمین نیازهای سازمانی و تحقیقاتی به‌صورت کاربردی؛ داشتن استاندارد هم‌تراز برای مرادوات با دانشگاه‌های معتبر کشورهای اروپایی و آمریکایی؛ پذیرش دانشجوی خارجی در بین‌المللی سازی مراکز دانشگاهی؛ تنوع دانشجویان خارجی و بومی شاغل به تدریس در دانشگاه‌های خارجی در رتبه‌بندی نظام‌های دانشگاهی؛ انطباق سطح دانش و مهارت و انگیزشی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با استانداردهای بین‌المللی؛
	بازسازی دانش محتوای میان-	تعیین مبانی فلسفی مناقشه برانگیز جهت پذیرش فرهنگ جهانی یا تبادل فرهنگ و دانش و ارتباط دوطرفه؛ مقایسه برنامه‌ها، واحدها و سرفصل‌های درسی با استاندارد

رشته‌ای دانشگاهی (23)	بین‌المللی با توجه به افق توسعه شتابنده آموزش؛ نیاز به تدوین منابع و محتوای درسی جهانی معتبر توسط برنامه‌ریزان درسی برای کلیه رشته‌ها؛ تخصیص محتوای برنامه‌های درسی بین‌المللی و محتوای متنوع و روزآمد؛ ضرورت توجه به تنوع و کثرت در محتوای آموزشی به‌عنوان عامل مغفول در آموزش عالی؛ ضرورت شناسایی مبانی فلسفی بین‌المللی‌شدن نظام آموزش دانشگاهی؛ نقش دانش تربیتی در روش‌های تدریس و برنامه‌ریزی محتوای آموزشی؛ نیاز به اصلاحات نظام آموزشی در سطح کلان به کمک دانش تربیتی؛ ارتباط تمام‌گرایش‌های مطالعات آموزشی با درون‌مایه بین‌رشته‌ای؛ کاربرد دانش تربیتی در پوشش محتوای درسی در سطح آموزشی؛ ایجاد انگیزه در دانشجویان و اساتید با مسئله محور کردن آموزش‌ها؛ داشتن نگاهی به محتوای درسی در سطح بین‌المللی و جهانی؛ پوشش واحدهای دکتری با برنامه‌های درسی در سطح منطقه‌ای؛ کمک دانش تربیتی به‌تناسب محتوای برنامه درسی با نیازهای بومی و ملی؛ مؤثر بودن دانش و مطالعات آموزشی در سطح خرد کلاس‌های درس؛ نقش سیستمی و زنجیروار بین برنامه درسی و سیاست‌گذاری؛ اهمیت درون‌مایه آموزشی نسبت به ساختار فیزیکی و ظاهری؛ ضرورت تغییر ساختار و فلسفه آموزشی رشته‌های دانشگاهی؛ اصلاح سازوکارهای ناکارآمد در برنامه‌های آموزشی و درسی؛ نیاز به طراحی تجارب یادگیری توسط برنامه‌ریزان درسی؛ کمک دانش تربیتی به پویایی محتوای برنامه‌های درسی؛ نقش فنی رشته مطالعات تربیتی در بین‌المللی کردن؛ نیاز به بین‌المللی شدن درون‌مایه آموزش عالی؛
-----------------------------	---

در ترکیب یافته‌های کیفی حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر دیپلماسی دانش بین‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی‌شدن دانشگاه ایرانی را به‌عنوان پدیده مرکزی در نظر بگیریم، الگوی پارادایمی نظام‌مند داده‌بنیادی با عناصر تشکیل‌دهنده‌اش شامل شبکه‌ای از روابط علت‌ها و دلایل اثرگذار، عوامل مداخله‌گر، زمینه‌ها و بسترها، راهبردها و پیامدهای مورد انتظار در نمودار زیر می‌تواند تبیین نظری را در مسئله بین‌المللی‌سازی مطالعات آموزشی با تکیه بر دیپلماسی دانش فراهم کند که در نمودار 1 ترسیم‌شده است:



نمودار 1: الگوی داده‌بنیاد برای دیپلماسی دانش بین‌رشته‌ای در بستر بین‌المللی شدن مطالعات آموزشی در دانشگاه ایرانی

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه هدف این پژوهش استخراج الگویی بر پایه دیدگاه‌ها و تجربیات اساتید درباره زمینه‌های به‌کارگیری دیپلماسی دانش در مطالعات آموزشی به‌عنوان دانشی بین‌رشته‌ای برای برقراری ارتباط و تبادل علمی در دانشگاه‌ها بود تا روشن شود مفهوم دیپلماسی دانش با بهره‌گیری از ظرفیت دانش بین‌رشته‌ای در برنامه‌های آموزشی دانشگاهی چگونه می‌تواند به توسعه علمی نظام آموزش عالی ایران کمک کند. لازم به ذکر است پیرامون دلایل و علت‌ها، عواملی و شرایط به‌کارگیری، زمینه‌های تسهیل‌کننده، راهبردهای به‌کارگیری، پیامدها و دستاوردهایی دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی در بخش یافته‌های پژوهشی مقاله به تفصیل و تفکیک پرسش‌های مطرح‌شده، پاسخ داده شد و اکنون به بحث پیرامون الگوی استنتاج شده و مسئله اصلی پژوهش پرداخته می‌شود. الگوی مفهومی ارائه‌شده بر مبنای یافته‌های برخاسته از داده‌ها ارائه شد که ناظر بر مسائل زبانی در آموزش و پژوهش بین‌المللی؛ و دانش محتوای درسی و آموزشی دانشگاه‌های کشور شرایطی را ایجاد کرده‌اند که ریشه‌ها و دلایل اثرگذار بر پدیده مرکزی را تبیین می‌کنند. علاوه‌براین، عواملی از جمله تصمیم‌گیری در نظام سیاست‌گذاری دانشگاهی؛ توسعه ارتباطات و آموزش‌های مجازی؛ و ساختار قدرت علمی - اجرایی و اختیارات دانشگاهی، شرایطی را برای دخالت در دیپلماسی دانش بین‌رشته‌ای در بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی فراهم می‌کنند که در بستر و زمینه‌ای در حال شکل‌گیری است. این زمینه‌ها شامل رویکرد تولید علم و پژوهش دانشگاهی؛ توسعه کیفی، رقابت-پذیری و اعتبار دانشگاهی؛ و تنوع‌بخشی به نیازهای فرهنگی و اجتماعی است. در نتیجه، راهبردهای پیشنهادی دربرگیرنده توسعه دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای؛ مبادلات علمی انفرادی و دانشگاهی؛ و مطالعات آموزشی تطبیقی با سایر کشورها هستند که انتظار می‌رود نتایج و پیامدهایی مشتمل بر دستیابی به مرجعیت علم دانشگاهی، بازسازی دانش محتوای میان‌رشته‌ای؛ و آشنایی با تجربیات روابط منطقه‌ای و بین‌المللی را در پی داشته باشند.

با توجه به اینکه الگوی ارائه‌شده تلاش می‌کند تا یک نظریه داده‌بنیاد را پیرامون فهم مسئله پژوهش ارائه کند، لازم است تا یافته‌های پژوهش با مبانی نظری در دو سطح خرد و کلان مقایسه و تحلیل شود. رویکرد الگوی به‌دست‌آمده علیرغم اینکه در نگاه اول کاملاً فرآیندی به نظر می‌رسد اما از جهت رویکردهای بین‌المللی در سطح دانشگاه‌ها با طبقه‌بندی نایت (2004)، در رویکرد پیامد محور با محورهای آشنایی با تجربیات روابط منطقه‌ای و بین‌المللی؛ دستیابی به مرجعیت علم دانشگاهی؛ در رویکرد فرآیندی با محورهای مطالعات آموزشی تطبیقی با سایر کشورها؛ توسعه دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای؛ و بازسازی دانش محتوای میان‌رشته‌ای دانشگاهی؛ در رویکرد عقلانی با محورهای تنوع‌بخشی به نیازهای فرهنگی و اجتماعی؛ مسائل زبانی در آموزش و پژوهش بین‌المللی؛ و توسعه کیفی، رقابت‌پذیری و اعتبار دانشگاهی؛ در رویکرد بین‌المللی شدن در خانه با محورهای مبادلات علمی انفرادی و دانشگاهی؛ ضعف دانش محتوای درسی و آموزشی دانشگاه‌های کشور؛ مطالعات آموزشی تطبیقی با سایر کشورها و توسعه کیفی، رقابت‌پذیری و اعتبار دانشگاهی؛ و در رویکرد برون‌مرزی با محورهای عوامل توسعه ارتباطات و آموزش‌های مجازی؛ رویکرد تولید علم و پژوهش دانشگاهی؛ عوامل تصمیم‌گیری در نظام سیاست‌گذاری دانشگاهی؛ مسائل تمرکززدایی، استقلال دانشگاهی و آزادی علمی و آشنایی با تجربیات روابط منطقه‌ای و بین‌المللی، سازگار است. گرچه به‌طور مستقیم از ادغام ابعاد بین‌المللی بین‌فرهنگی جهانی با اهداف، عملکردها یا تحول آموزش و پرورش ثانویه در الگوی پژوهش حاضر صحبتی نشده اما با تعریف نایت (2015) از جهت ارائه تعریف غیر ایدئولوژیک از جهانی شدن به‌عنوان یک پدیده؛ و تفکیک بین‌المللی شدن در سطوح ملی، بخش و نهادی به‌عنوان فرآیندی چندوجهی با ابعاد بین‌المللی بین‌فرهنگی اشتراک دارد. همچنین این الگو با تعریف هاواوینی (2016) در پوشش جنبه‌های داخلی و خارجی بین‌المللی شدن با توجه به پوشش دیدگاه‌های اساتید در سطح خرد دانشگاهی بر ابعاد بین‌رشته‌ای در سطوح مختلف بین‌المللی شدن به‌عنوان یک‌روند مداوم تغییر سازگار است و مباحث اقتصاد دانش در این الگو با محور توسعه کیفی، رقابت‌پذیری و اعتبار دانشگاهی پوشش یافته است. همچنین این الگو ضمن سازگاری عملیاتی و مشهود با ابعاد اصلی بین‌المللی شدن آموزش عالی در تعریف خورسندی طاسکوه (1394) شامل پذیرش و جذب دانشجو از کشورها و خانواده‌های برخوردار؛ بازاریابی و تجاری‌سازی آموزش و پژوهش؛ جذب نخبگان، مهاجرت سرمایه‌های انسانی و رقابت، و نمایه-سازی و افزایش اعتبار بین‌المللی دانشگاه؛ واقعیت‌های روز بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها و شکاف میان نظریه و عمل بین‌المللی شدن را در کنار ابعاد دیگر پوشش داده که هم جنبه نظری و هم عملیاتی دارند.

در مجموع مقایسه‌ها نشان داد که الگوی پژوهش حاضر تا حدی جامعیت دارد که کلیه رویکردهای بین‌المللی - شدن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را در خود جای داده و در عین حال از ویژگی‌های ظریف و دلالت‌های سطوح خرد (محلی - منطقه‌ای) نیز برخوردار است که مانع همسانی با سایر جوامع و در سطوح کلان (ملی - بین‌المللی) می‌گردد. بنابراین برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزش عالی در توسعه دیپلماسی دانشگاهی در سطوح محلی - منطقه‌ای می‌توانند به روایت‌های موجود در تصمیم‌گیری‌های خود استفاده نمایند. در یک چشم‌انداز کلان (ملی - بین‌المللی) نیز می‌توان الگوی برآمده از داده‌های کیفی پژوهش حاضر را با الگوی پیشنهادی سیاست‌گذاری آموزش عالی بین‌المللی دانشگاه ایرانی توسط خورسندی طاسکوه (1395) مبتنی بر عناصر اصلی چهارگانه شامل فرصت‌سازی آموزشی و درسی؛ ساختارسازی سازمانی و برنامه؛ توانمندسازی فرهنگی و اجتماعی؛ و نیز ظرفیت‌سازی اجتماعی و سیاسی مقایسه نمود. هم در الگوی اخیر و هم در الگوی پژوهش بر بین‌المللی شدن آموزش عالی در دانشگاه‌های ایران که سیاست‌گذاری متمرکز و از بالا به پایین دارد و هم رقابت‌پذیری در زمینه استراتژی‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها اشاره شده است اما با این تفاوت که در دیپلماسی دانشگاهی، ابعاد بین‌رشته‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. همچنان که نایت (2018) معتقد است دیپلماسی دانش معادل بین‌المللی شدن نیست و دیپلماسی دانش بر «نقش آموزش عالی و تحقیقات بین‌المللی در ایجاد و تقویت روابط بین کشورها و میان کشورها تمرکز دارد». اما دیپلماسی دانش تنها باید به‌عنوان یک فرایند یک‌طرفه دیده شود. این می‌تواند (و باید) به‌عنوان یک‌روند متقابل دوطرفه در نظر گرفته شود که به‌موجب آن «روابط بین کشورها و میان کشورها می‌تواند آموزش عالی و تحقیقات بین‌المللی را افزایش دهد. در نتیجه با الهام از تمرکز دیپلماسی بر روی راهبردهایی مانند مذاکره، میانجیگری، همکاری، سازش و تسهیل در اندیشه نایت (2014) تکامل از دیپلماسی سنتی دانشگاه‌ها باید به‌گونه‌ای از دیپلماسی مدرن با تأکید بر رویکردهای مبتنی بر مسئله را در ارتباطات دانشگاهی از چشم‌انداز دیپلماسی فرهنگی با لنز بین‌رشته‌ای به موضوعاتی شامل هنر و فرهنگ، آموزش، ورزش، معماری و زبان پرداخت. در حوزه‌های بهداشت، علم و فناوری، محیط‌زیست و دیپلماسی تجاری به‌عنوان شیوه‌های مؤثر دیپلماسی دانش را با مسائل سنتی‌تر از قبیل امنیت ملی، نظامی و دیپلماسی اقتصادی ترکیب و سازگار نمود. این امر مهم نیازمند طراحی و به‌کارگیری سازوکارهایی عملیاتی و واقع‌نگر از گزینه‌های جدید است که مستلزم توجه بیشتر دیپلماسی دانش در برنامه‌ریزی برای توسعه رشته‌های دانشگاهی هستند. البته این دیپلماسی دانشگاهی بالاینکه در شرایط موجود نتوانسته به‌خوبی شکل بگیرد، اما انتظار می‌رود در وضعیت مطلوب سازوکارهای ارتباط درون دانشگاهی میان دانشجویان، اساتید و گروه‌های آموزشی را تسهیل می‌کند و هم بستر تعاملات برون دانشگاهی با جامعه، دولت و بازار کار را در سطوح مختلف برنامه‌های آموزشی و پژوهشی داخل و خارج کشور فراهم سازد. در مجموع این روابط و تعاملات در سطوح خرد و کلان، شبکه‌ای از دیپلماسی دانش در داخل و خارج دانشگاه‌های کشور و نیز دانشگاه‌های داخل و خارج کشور را ایجاد خواهند کرد

برای فهم بسترهای درون و برون دانشگاهی، در زمینه بین‌المللی شدن مطالعات آموزشی به‌عنوان سکویی برای اجرایی شدن دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای تحلیل شکاف وضعیت‌های موجود و مطلوب آموزش عالی ایران راهگشا خواهد بود. همچنان که خورسندی طاسکوه (1395) معتقد است در وضعیت مطلوب، ظرفیت‌هایی همچون تنوع فرهنگی، زبانی، دینی، اقلیمی و نژادی، سابقه در تاریخی در عرضه آموزش عالی، موقعیت خاص جغرافیایی و سیاسی، آموزش عالی ارزان، تعدد و تکرر دوره‌ها و واحدهای دانشگاهی و بسیاری از ویژگی‌ها و مزایای جانبی دیگر از جمله عوامل اثرگذار برای نیل به یک نظام آموزش عالی معتبر و بین‌المللی در ایران هستند، اما وجود این عوامل به‌خودی‌خود نمی‌تواند دلالت بر آمادگی دانشگاه ایرانی برای بین‌المللی شدن باشد. بین‌المللی شدن آموزش عالی در دانشگاه‌های کشورهایی مانند ایران که فعالیت و سیاستی متمرکز و جریان سیاست‌گذاری در آن متمرکز است، زمانی می‌تواند موفق باشد که در سطح محیطی و ملی بتواند عواملی را که موانع تلقی می‌شوند، آسیب‌شناسی کرده و از پیش راه بردارد. همچنان که ماحوزی و همکاران، (1395) معتقدند چالش‌هایی بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران را ناشی از منطبق درون دانشگاهی ایرانی و زمینه‌های سیاسی و فرهنگی جامعه ایرانی هستند. چالش‌های درون دانشگاهی و ایده بومی شدن دانش به‌مثابه ایدئولوژی دانشگاهی حاکی از اینکه باید در همه ابعاد علم به خودکفایی و استقلال رسید. از سوی دیگر نوعی درون‌گرایی و نادیده گرفتن دانش در سطح جهانی برای ایران ایجاد خواهد کرد. تنوع‌بخشی به نیازهای بومی و مسئولیت اجتماعی علم و دانشگاه نسبت به مسائل جامعه ایرانی مسئولیتی است که پاسخگویی به آن نیازمند مشارکت در نظام جهانی تولید دانش است. در نهایت الگوی تحقیق حاضر را می‌توان با الگوی خورسندی

طاسکوه (1395) سازگار دانست که در الگوی مذکور، نظام آموزش عالی ایران و دانشگاه‌های آن نیازمند پیروی از الگویی جامع و رقابت‌پذیر در زمینه استراتژی‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی شدن هستند و الگوی پیشنهادی سیاست‌گذاری آموزش عالی بین‌المللی دانشگاه ایرانی مبتنی بر عناصر هم‌افزای چهارگانه در این الگو است که وی ارائه کرده و برحسب استدلال و پیش‌فرض این الگوی چهارگانه، توسعه آموزش عالی بین‌المللی در ایران نیازمند فراهم شدن محیط‌های علمی و فرهنگی باز و جمع‌گرا در جامعه به‌طور عام و دانشگاه‌ها به‌طور خاص است.

در تبیین یافته‌ها بر مبنای مدل‌های توسعه آموزش عالی، مسائل زبانی در آموزش و پژوهش بین‌المللی؛ و دانش محتوای درسی و آموزشی دانشگاه‌های کشور بیشتر کارکرد آموزشی و تا حدودی پژوهشی داشته و نسبت به دیپلماسی دانشگاهی بین‌رشته‌ای جهت‌گیری عدالت‌محور دارند. علاوه‌براین، تصمیم‌گیری در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دانشگاهی؛ توسعه ارتباطات و آموزش‌های مجازی؛ و مسائل تمرکززدایی، استقلال دانشگاهی و آزادی علمی، کارکردهای آموزش‌محور، پژوهش‌محور و تا حدودی کارکرد خدماتی یا کارآفرینی را برای مشارکت و مداخله اثرگذار در دیپلماسی دانش بین‌رشته‌ای در بستر بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی پوشش می‌دهند و از نظر جهت‌گیری رعایت‌محور هستند. زمینه‌ها شامل رویکرد تولید علم و پژوهش دانشگاهی؛ توسعه کیفی، رقابت‌پذیری و اعتبار دانشگاهی؛ و تنوع‌بخشی به نیازهای فرهنگی و اجتماعی که البته با توجه به ماهیت بین‌رشته‌ای مطالعات آموزشی و خاستگاه آن در علوم انسانی و اجتماعی تا دیگر ابعاد و حوزه‌های مرتبط با آموزش و پرورش افراد در لایه‌های گسترده ارتباطی در نظام آموزش عالی می‌تواند علاوه بر کارکردهای سه‌گانه آموزش، پژوهش و خدمات یا کارآفرینی دانشگاهی و ارتباط با جامعه یا بازار کار، تا حدودی مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها را رویکردی ترکیبی از عدالت‌محوری و رعایت‌محوری دربرگیرد. توسعه دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای؛ مبادلات علمی انفرادی و دانشگاهی؛ و مطالعات آموزشی تطبیقی با سایر کشورها راهبردهایی هستند که علاوه بر کارکردهای سنتی آموزش و پژوهش، کارآفرینی یا خدمات را در کنار ترویج مسئولیت اجتماعی دانشگاه و افراد دانشگاهی (دانشجویان، اساتید، کارکنان و مدیران دانشگاهی) با نگاهی به پیامدهای مورد انتظار این راهبردها از جمله دستیابی به مرجعیت علم دانشگاهی، بازسازی دانش محتوای میان‌رشته‌ای؛ و آشنایی با تجربیات روابط منطقه‌ای و بین‌المللی در کارکردهای متنوع دانشگاه‌ها از آموزش، پژوهش، خدمات تا مسئولیت اجتماعی دانشگاهیان با ترکیبی از عدالت‌محوری و رعایت‌محوری پوشش دهند. بنابراین در تفسیر این الگوی داده‌بنیاد انتظار پژوهشگران بر این است که وضع موجود با رویکردی فرایندی بتواند با مؤلفه‌ها و شاخص‌سازی دیپلماسی دانش بین‌رشته‌ای هم در کارکرد آموزشی و هم پژوهشی فرارشته‌ای در مطالعات آموزشی توسعه دهد تا برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزش عالی ایران نیز با بهره‌گیری از راهنمای مسیر به وضع مطلوب و تحقق اهداف مورد انتظار در برنامه‌های توسعه کشور و دستیابی به جایگاه موردنظر در اسناد سیاست‌گذاری فراهم نمایند. بنابراین، در سیاست‌گذاری و نیز اجرای الگوهای برنامه‌ریزی توسعه لازم است به جنبه‌های این الگوی داده‌بنیاد توجه کرد تا شاخص‌های توسعه در تعامل با کارکردهای دانشگاهی در قالب سازوکارهای توسعه دیپلماسی دانش تحقق یابد. این شواهد با الگوی گور و همکاران (2020) مبنی بر حمایت بهتر از همکاری‌های سیاست‌گذاری علم جهت پژوهش، آموزش و خدمات مؤثرتر و تبادل دانش بین افراد دو اکوسیستم دانشگاه و سیاست منطبق است.

پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی قابل‌استخراج بر اساس یافته‌های کیفی برای تحقق دیپلماسی دانش بین‌رشته‌ای مطالعات آموزشی در بستر بین‌المللی شدن دانشگاه ایرانی در دو سطح سیاست‌گذاری و اجرا قابل‌ارائه است: پیشنهاد نخست، در نظر گرفتن مسائل زبانی در آموزش و پژوهش بین‌المللی؛ و بازنگری در دانش محتوای درسی و آموزشی دانشگاه‌های کشور است. در سطح سیاست‌گذاری، ارائه طرح‌هایی برای استانداردسازی روش‌های مؤثر برای ارتقاء مهارت‌های زبانی در مدارس و دانشگاه‌ها و به‌روزرسانی محتوای درسی و آموزشی اثربخش است و در سطح اجرا، پیاده‌سازی استانداردها و بازنگری محتوای درسی و آموزشی بین‌المللی بر اساس نیازهای مبتنی بر ساختار میان‌رشته‌ای از جمله در مطالعات آموزشی و توسعه دیپلماسی علم دانشگاه‌ها در مناطق و قطب‌های علمی کشور است. پژوهش‌هایی در زمینه نیازسنجی و امکان‌سنجی سازوکارهای تقویت ابزارهای کاربردی زبان در آموزش و تحقیقات و طراحی محتوای مناسب در این زمینه مطلوب است. پیشنهاد دوم، مداخله یا مشارکت از طریق تصمیم‌گیری در نظام سیاست‌گذاری دانشگاهی؛ توسعه ارتباطات و آموزش‌های مجازی؛ و ساختار قدرت علمی - اجرایی و اختیارات دانشگاهی است. در سطح، سیاست‌گذاری، وزارتخانه‌های «آموزش و پرورش»، «علوم، تحقیقات و فناوری» و «بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» باید از الگوهای انعطاف‌پذیرتر و کارآمدتر برای تسهیل فرایندهای بین‌المللی شدن

دانشگاه‌ها در دیپلماسی دانش و به‌ویژه مطالعات آموزشی استفاده نمایند. در سطح اجرا نیز شیوه‌های عملیاتی الگوها بر اساس نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در سطوح دانشگاه و دانشکده، ارتباطات و اختیارات دانشگاهی است. پژوهش‌های زیادی در زمینه‌های سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در سطوح کلان و خرد مدیریت و اجرای تصمیم‌ها، بسترهای آموزش‌های آنلاین و تمرکززدایی، آزادی علمی و استقلال دانشگاهی می‌تواند انجام شود. پیشنهاد سوم، توجه به زمینه‌ها برحسب رویکرد تولید علم و پژوهش دانشگاهی؛ توسعه کیفی، رقابت‌پذیری و اعتبار دانشگاهی؛ و تنوع‌بخشی به نیازهای فرهنگی و اجتماعی است که نیازمند در نظر گرفتن زمینه‌های مذکور از سیاست‌گذاری تا در عمل شرایط برای تحقق دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای و کاربرد مطالعات آموزشی فراهم گردد. لذا، تحقیقاتی متناسب با بسترها و زمینه‌های تولید علم، رتبه‌بندی دانشگاهی و تنوع‌بخشی به نیازهای بومی در سطوح فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها توصیه می‌شود. پیشنهاد چهارم، راهبردهای توسعه دیپلماسی دانش میان‌رشته‌ای؛ مبادلات علمی انفرادی و دانشگاهی؛ و مطالعات آموزشی تطبیقی با سایر کشورها باید در سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی، شرایط و امکان‌پایه‌سازی سیاست‌ها در دانشگاه‌ها را فراهم سازد. پژوهشگران برحسب مسئله‌یابی در متغیرهای مذکور، می‌توانند تحقیقاتی پیرامون اجرای راهبردهای مورد اشاره در بخش‌های مختلف آموزش عالی، دانشگاه‌ها (و زیرنظام‌های آن شامل دانشگاه‌های دولتی، فرهنگیان، آزاد، پیام‌نور، علمی - کاربردی و فنی‌وحرفه‌ای) و پژوهشگاه‌ها (دولتی و خصوصی) انجام دهند. در پیشنهاد پنجم، ضرورت دارد که استفاده از دستاوردها و پیامدهای این سیاست‌گذاری برای دیپلماسی دانش بین‌رشته‌ای در بستر بین‌المللی شدن مطالعات آموزشی در آموزش عالی متناسب با دستیابی به مرجعیت علم دانشگاهی، بازسازی دانش محتوای میان‌رشته‌ای؛ و آشنایی با تجربیات روابط منطقه‌ای و بین‌المللی تحقق یابد. هرکدام از این مباحث هم برای سیاست‌گذاران اولویت‌ها و اهداف برنامه‌های آموزشی را تعیین می‌کنند و هم در تحقق پیامدها، برای مجریان خط‌مشی‌ها و سازوکارهای عملیاتی کردن و ارزشیابی از آن‌ها را روشن می‌سازد. تحقیقات متعددی در هرکدام از این راهبردها و پیامدها قابل انجام است که مسئله‌یابی و انجام آن متناسب با نیازهای مبتنی بر زمینه توسط پژوهشگران قابل انجام است. در نتیجه‌گیری کلی، الگوی داده‌بنیاد ارائه شده برای توسعه دیپلماسی دانشگاهی در بستر بین‌المللی شدن مطالعات آموزشی می‌تواند چنین شاخص‌هایی جهت استفاده برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران نظام آموزش عالی ایران فراهم کند تا نیازهای موجود و مطلوب با توجه به سطوح برنامه‌ریزی و جهت‌گیری کارکردها در مدل‌های توسعه در شبکه‌ای از روابط درون و برون دانشگاهی به شکل مؤثرتری شناسایی گردند.

منابع

- بازرگان، عباس (1398). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: نشر دیدار.
- چاندراموهان، بالاسابرامانیا. (1389). یادگیری و تدریس میان‌رشته‌ای در آموزش عالی؛ نظریه و عمل. ترجمه محمدرضا دهشیری. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- خورسندی طاسکوه، علی (1394). تحلیل مبانی نظری و اهداف بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران. مجله آموزش عالی ایران. 7 (3). 60-27.
- خورسندی طاسکوه، علی (1395). آموزش عالی بین‌المللی، استراتژی‌ها و شرایط امکان. چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خورسندی طاسکوه، علی (1398). «علوم تربیتی» یا «مطالعات آموزشی» [.1398/12/20.https://rabnews.ir/5335](https://rabnews.ir/5335)
- دانشگاه کردستان (1399). افتخاری دیگر برای دانشگاه کردستان؛ کسب رتبه ۲۵۰-۲۰۱ در بین دانشگاه‌های آسیای <https://www.uok.ac.ir/fa/news/story.aspx?NewsID=54096> 99/3/14
- دهشیری، محمدرضا؛ طاهری، مهدی (1395). دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. (94). 42-1.
- روفینی، پیر برونو (1397). علم و دیپلماسی، بعدی جدید از روابط بین‌المللی. ترجمه مهدی قائمی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- طباطبایی، علی. (1392). راهکارهای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور (با تأکید بر دانشگاه آزاد اسلامی). فصلنامه راهبرد. 22 (69). 122-142
- قاسم‌پور دهاقانی، علی؛ لیاقت‌دار، محمدجواد؛ جعفری، ابراهیم. (1390). تحلیلی بر بومی‌سازی و بین‌المللی‌شدن برنامه درسی دانشگاه‌ها در عصر جهانی‌شدن. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. 4 (4). 1-24
- گاف، اسیفن؛ اسکات، ویلیام. (1389). آموزش عالی و توسعه پایدار، پارادوکس و احتمال. ترجمه ارسلان قربانی شیخ‌نشین. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ماحوزی، رضا؛ رحمانی، جبار؛ نبوی، عبدالامیر؛ کهدی، رضا؛ تقویان، ناصرالدین علی؛ فلاحتی، لیلا. (1395). آموزش عالی بین‌المللی، استراتژی‌ها و شرایط امکان. چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- محسنی، هدی سادات (1396). آسیب‌شناسی همکاری‌های بین‌المللی در آموزش عالی ایران. راهبرد اجتماعی فرهنگی. 6 (22). 281-259.
- مردانی، محمدرضا (1396). الگوی توسعه آموزش عالی ایران (در افق ایران 1404). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- Barbosa, M. L. D. O., & Neves, C. E. B. (2020). Internationalization of higher education: institutions and knowledge diplomacy. *Sociologias*, 22, 22-44.

- Creswell, John W. (2012). Educational research, planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research. Boston: Pearson Education, Inc.
- Ekine, A., & Olaniyan, A. O. (2019). Reflections on Education Diplomacy by Local Actors in South West Nigeria. *Childhood Education*, 95(1), 73-78.
- Gore, M. L., Nichols, E. S., & Lipsch, K. R. (2020). Preparing Scientists for Science Diplomacy Requires New Science Policy Bridges. *The Hague Journal of Diplomacy*. (15) 1-10
- Gultekin, O. (2021). Towards Knowledge Diplomacy or Sharp Powers in International Higher Education Business of Countries. *Academia Letters*.
- Hawawini, G. (2016). The internationalization of higher education and business schools: A critical review. Springer.
- Knight, J (2018). Knowledge Diplomacy: a bridge linking international higher education and research with international relations. British Council. Accessible at <https://www.britishcouncil.org/sites/default/files/kno.pdf>
- Knight, J. (2004). Updating the definition of internationalization. *International Higher Education*, 33(6), 2-3.
- Knight, J. (2014). Higher education and diplomacy. Canadian Bureau for International Education. Toronto: CBIE .
- Knight, J. (2015). Updated definition of internationalization. *International higher education*, (33).
- Koppelman, B., Day, N., Davison, N., Elliott, T., & Wilsdon, J. (2010). New frontiers in science diplomacy: navigating the changing balance of power.
- Müller, P., & Passoth, J. H. (2018). Social Science Contributions to Engineering Projects: Looking Beyond Explicit Knowledge through the Lenses of Social Theory. In *IMPROVE-Innovative Modelling Approaches for Production Systems to Raise Validatable Efficiency* (pp. 19-36). Springer Vieweg, Berlin, Heidelberg.
- Peterson, P. M. (2014). Diplomacy and education: A changing global landscape. *International Higher Education*, (75), 2-3.
- Ruffini, P. B. (2017). *Science and Diplomacy: A New Dimension of International Relations*. Springer.
- Rumbley, L. E., Altbach, P. G., & Reisberg, L. (2012). Internationalization within the higher education context. *The SAGE handbook of international higher education*, 3-26.

- Sjöstedt G. (2009) knowledge diplomacy: the things we need to know to understand it better. The Processes of International Negotiation Program Network Newsletter. International Institute for Applied Systems Analysis. Accessible at www.pin-negotiation.org/userfiles/images/pinpoints/PP33.pdf
- Turner, D. W., III (2010). Qualitative interview design: A practical guide for novice investigators. *The Qualitative Report*, 15(3), 754-760.
- Vinet, L. (2010). Universities and Knowledge Diplomacy. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(5), 6772-6776.
- Yonezawa, A., Ishida, K., & Horta, H. (2013). The long-term internationalization of higher education in Japan: A survey of non-Japanese faculty members in Japanese universities. *Internationalization of higher education in East Asia: Trends of student mobility and impact on education governance*, 179-91.
- Yonezawa, A., Kitamura, Y., Meerman, A., & Kuroda, K. (Eds.). (2014). *Emerging international dimensions in East Asian higher education*. Springer Science & Business Media.

Knowledge Diplomacy Development Model in the Context of Internationalization of Educational Studies in Iranian Higher Education System¹

Mohammad Asadi², Khalil Gholami³, Jamal Salimi⁴, Ali Khorsandi Taskoh⁵

Abstract

One of the areas of policy making and planning in the higher education system is development of Knowledge Diplomacy in the context of the internationalization of the university system. The aim of this study is to provide a model based on the views and experiences of Faculty members on the fields of Knowledge Diplomacy application in educational studies as an interdisciplinary knowledge for communication and scientific exchange in universities to clarify how the concept of Knowledge Diplomacy can help the Scientific development of Iranian higher education system by using the capacity of interdisciplinary knowledge in the university educational programs. The approach of this research is qualitative and based on the strategy of Systematic Grounded Theory. The research scope included Faculty members in the field of educational studies at the universities of Kurdistan province, and 14 participants were selected through theoretical sampling and they interviewed by in depth and semi-structured interviews. The interview data were coded and modeled through the Maxqda 2020 qualitative data analysis software. Based on the findings, the central phenomenon of Interdisciplinary Knowledge Diplomacy in the internationalization of an Iranian University is based on causal conditions (linguistic issues in international education and research; and weakness of knowledge of educational and curriculum content of Iranian universities); Intervening conditions (decision-making in the academic policy-making system; promoting the development of communication and virtual education; and the structure of scientific-executive power and academic authorities); contexts (science production and research approach; qualitative development, competitiveness and academic prestige; and diversify cultural and social needs); strategies (development of Interdisciplinary diplomacy; Individual and academic science exchanges; and comparative educational studies with other countries)

¹ This article is taken from the doctoral dissertation in University of Kurdistan (Sanandaj) and it is taken from a research project funded by Iran National Science Foundation (INSF)

² PhD Student in Higher Education Development Planning, Department of Educational Sciences, Faculty of Social Sciences and Humanities, University of Kurdistan: m.asadi.phd@gmail.com

³ Associate Professor of Educational Planning, Department of Educational Sciences, Faculty of Social Sciences and Humanities, University of Kurdistan (Corresponding Author): khalil.gholami@gmail.com

⁴ Associate Professor of Curriculum Planning, Department of Educational Sciences, Faculty of Social Sciences and Humanities, University of Kurdistan: j_salimi2003@yahoo.com

⁵ Assistant Professor of Educational Studies, Department of Management and Educational Planning, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University: khorsandi@gmail.com

and consequences (achieving academic science authority, reconstruction of Interdisciplinary content knowledge, and familiarity with regional and International relations experiences). As a result, the proposed model for the development of academic diplomacy in the context of the internationalization of educational studies can provide indicators for the use of planners and policy makers in the Iranian higher education system to meet existing and desired needs according to planning levels and orientation of the functions of development models in the network of the internal and external relations of the university should be identified more effectively.

Keywords:

Higher Education, Development Model, Internationalization, Knowledge Diplomacy, Educational Studies.